



18 تیر سالروز فرو ریختن دیوار اصلاحات در دانشگاه

- بیانیه نشریه دانشجویی بذر به مناسبت 18 تیرماه 1389 صفحه 2
- نکاتی در مورد بیانیه 18 موسوی، صفحه 3
- 18 تیر از نگاهی دیگر! صفحه 5
- تکامل مبارزات زنان صفحه 6
- معرفی فیلم "آگورا" صفحه 7
- آستان قدس رضوی دستگاه غارت و ظلم و فساد (بخش دوم) صفحه 10
- درس های اجلاس G20 در کانادا و مبارزات مردم صفحه 17

بیانیه نشریه دانشجویی بذر به مناسبت 18 تیرماه 1389

18 تیر روز ماست!

به 18 تیر نزدیک می شویم. به روزهایی که 11 سال پیش مبارزات دانشجویان به خیابانها کشیده شد و مردم به آنها پیوستند. روزهای مبارزه و مقاومت و زندان، شکنجه و خون. روزهایی که دانشگاه و کوی به خون کشیده شد. روزهایی که گروه های فشار و انصار و لباس شخصی ها، رفقایمان را با "الله اکبر" و "یا حسین" و "یا زهر" از خوابگاه ها به پایین پرتاب می کردند. از آنزمان تا کنون 18 تیر برای کل نظام جمهوری اسلامی روزی درسرساز و برای مردم سمبل مبارزه و آگاهی شده است. آن زمان به مدت یک هفته کل جامعه ایران نظاره گر مبارزات دانشجویان علیه جمهوری اسلامی و مشخصاً «دولت اصلاحات» بود.

مبارزات دانشجویان در 18 تیر 1378 نقاب از چهره فریب و دروغ حکومت اصلاحات برداشت. در این دوره بود که پرچم دروغین اصلاح طلبی در آتش خشم دانشجویان سوزانده شد. وقایع تیر 78 از بسیاری جهات بسیار شبیه خیزش 88 بود. سرکوب های وحشیانه جوانان دانشجو به دستور رهبر و با همکاری همه نیروهای انتظامی و شبه نظامی و اطلاعاتی. اعمال حکومت نظامی های غیررسمی در سطح شهر، اخراج، تعلیق و ناپدید شدن دانشجویان، اعمال شکنجه و زندان، حمله به کوی و قتل دانشجویان. اما همه اینها در خیزش 88 با ابعاد وسیعتری صورت گرفت و به جز دانشگاه در کل جامعه اتفاق افتاد. اما یک تفاوت مهم اما قابل تامل آن روزها و امروز این بود که اصلاح طلبان امروز در رأس دولت بودند و در سرکوبهای آن روز که بسیار شبیه امروز بود، آنها نقش بسیار پررنگی داشتند. کسانی که امروز رهبر دروغین مبارزات مردم شده اند و گرگ هایی در لباس میش هستند. امروز اما معادلات همه جور به هم ریخته است. حکومت چند پاره شده و شکاف میان حاکمان روز بروز عمیق تر می شود. تضاد مردم که سال پیش روزهای زیادی را در خیابانها مبارزه کردند، با حکومت بیشتر شده است. علاوه بر این فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی روز به روز عرصه را بیشتر بر مردم تنگ می کند. تضاد مردم با این حکومت به یک سال و دو سال اخیر محدود نمی شود، بلکه یک تضاد سی ساله است که سر باز کرد. پتانسیل و جهشی که در مبارزات مردم طی یک سال گذشته دیده شد، همه نشانه این بود که جامعه ایران مستعد یک انقلاب اجتماعی است. آگاهی سیاسی مردم در مدت کوتاهی رشد زیادی پیدا کرد. در هر صورت منت کشی اصلاح طلبان از جناح رقیب برای حفظ نظام راه درست تری برایشان بود تا همراهی با مردمی که حالا دیگر خواسته هایشان رادیکال شده بود. اما شکاف ها عمیق تر از این بود که آشتی صورت بگیرد. سال 88 به پایان رسید و همه در سال جدید انتظار دور جدیدی از مبارزات را می کشیدند. سال جدید با دور جدیدی از سرکوبهای رژیم علیه مردم آغاز شد. با برنامه های متعدد و تهدید های شدید یک یورش همه جانبه علیه زنان آغاز شد. دانشگاه که کماکان مرکز نقل مبارزه علیه رژیم باقی مانده آماج حملات دشمن قرار گرفته است؛ با دستگیری، تعلیق از تحصیل و اخراج دانشجویان فعال. رژیم اقدام به دستگیری فعالین کارگری و حقوق بشر و خلاصه هر کسی که می توانست برایشان خطرناک باشد کرد و در نهایت برای ارباب همه جانبه مردم اعدام بهترین فرزندان مردم همچون فرزاد کمانگر و شیرین ... را از سر گرفتند.

اما در آستانه 22 خرداد جناح غالب که از مدتها قبل خط و نشان کشیدن ها را آغاز کرده بود، حکومت نظامی اش را به شکل سازماندهی نیروهای سرکوبش در خیابانها به نمایش گذاشت. در حالیکه با تصویب قطعنامه شورای امنیت و اعمال تحریم های سنگین

بر حکومت یک ضربه دیگر در سطح بین المللی وارد آمد، موسوی بیانیه ای صادر کرد که آن عده ای از مردم و جوانان را که هنوز چشم امید به او داشتند را هم بهت زده کرد. گفت: "به خیابانها نیاید!"، "برای حفظ جان و مال مردم از تظاهرات صرف نظر می کنیم." تا پارسال فرمان سکوت در خیابان ها را می داد و حالا سکوت در خانه ها. در این موضوع شکی نیست که موسوی هم از اختلاف عمیقی که بین مردم و کلیت این رژیم و فشارهای بین المللی آگاه است و می داند که مبارزات مردم پتانسیل رادیکال شدن را دارد. به همین دلیل دائم می گوید که از "خشونت" پرهیز کنید و به بهانه جان و مال مردم از حضور مردم در خیابان ها جلوگیری می کند و به این طریق عملاً جان و مال دولت را محفوظ نگاه می دارد. زیرا حرکت رادیکال مردم اگر پیشروی کند که موسوی نمونه اش را در عاشورا دید، برای او و جناحش هم خطر آفرین خواهد بود. خواست موسوی بازگرداندن قدرت به جناح مغلوب است چون برخلاف مردم، او جدایی دین از دولت و آزادی حجاب و مرگ جمهوری اسلامی را نمی خواهد. ما مخالف اصلاحات در جامعه نیستیم، اما "اصلاح طلبان" در عمل خواستار اصلاحی نیستند. آنها تنها می خواهند دستی به سر و روی نظام بکشند. آنها می خواهند در چارچوب قانون همه چیز را بر اساس منافع خودشان نه منافع مردم جلو ببرند. آنها ترمزی بر مبارزات مردم هستند.

22 خرداد امسال با جو امنیتی شدید و حضور بسیاری از مردم در خیابان ها برگزار شد. 22 خرداد هم این دانشجویان دانشگاه ها بودند که به شایسته ترین شکل تجمع برگزار کردند و مبارزه کردند، به همین دلیل قبل از 22 خرداد دانشگاه را تعطیل کردند و 15 تیر را روز ختم امتحانات همه دانشگاهها اعلام کردند.

حکومت از حضور دانشجویان در روزهای حساس وحشت دارد. اکنون در آستانه 18 تیر قرار داریم. سال گذشته بعد از سال ها، به بهترین شکل و شاید بتوان گفت بیسابقه ترین شکل ممکن این روز را گرامی داشتیم، طوری که خاطرات 18 تیر 78 برای همه زنده شد. بسیاری به اهمیت حرکت دانشجویان در آن سال پی بردند و یکی از روزهای خوب و رادیکال مبارزه بود. 18 تیر روز ماست. این روز متعلق به دانشجویان، جوانان و همه مردم است. این روز متعلق به همه مردمی است که به دنبال آزادی هستند. باید تلاش کنیم بار دیگر این روز را، به آغاز دور جدید مبارزات مردم بدل کنیم.

باید موجی دیگر، متفاوت از موج سیزی که زیر سلطه ی جهان بینی و برنامه جناحی از حکومت است، ایجاد کنیم. وقتی مردم حسابشان را از حکومت جدا کنند همه چیز فرم دیگری پیدا می کند.

اکنون دیگر نظام جمهوری اسلامی نه در داخل مشروعیتی دارد و نه در خارج. مردم هم به پتانسیل شان پی برده اند. فهمیده اند این نظام که سالها هزینه های گزافی صرف تربیت انواع و اقسام نیروهای نظامی و امنیتی کرده بود، چقدر شکننده است و روزهایی مانند 18 تیر این مسأله را روشن کرد که حکومت نتوانست از پس مردم بر آید. نباید بگذاریم خون جوانانی که به دست مزدوران رژیم در خیابان ها و شکنجه گاه ها و زندان های رژیم بر زمین ریخته شد، پایمال شود. آنها برای آزادی به خیابان آمدند و در برابر دشمن سینه سپر نمودند. بدون شك یک جنبش همواره در اوج نیست و فراز و فرود دارد. باید در روزهای آرامش برای روزهای توفانی برنامه ریزی کنیم و نقشه بکشیم. اگر می خواهیم مبارزات به دست جناح های حکومتی نیفتد، باید خودمان دست به کار شویم. باید درون جنبش دانشجویی هسته های مختلف از افراد فعال و مبارز تشکیل دهیم. باید با پخش اعلامیه، روزهای اعتراض، مکان و شکل اعتراض ها را به اطلاع مردم برسانیم تا هزینه دستگیری را پایین آوریم. این هسته ها باید در دانشگاه های مختلف با هم ارتباط برقرار کنند تا شبکه مبارزاتی قدرتمندی پدید آید. ما باید از نیروی جوانان، مردم و خصوصاً زنان و دختران که نقش غیر قابل انکاری در مبارزات داشتند و هم چنین از نوجوانان و دانش آموزان در هدایت و شکل گیری این هسته ها استفاده

نکاتی در مورد

بیانیه 18 موسوی،

در آستانه 22 خرداد - سالروز تقلب انتخاباتی احمدی نژاد و به جان هم افتادن جناح های حاکم در قدرت و خیزش میلیونی مردم ایران - موسوی بیانیه دیگری داد که از جنبه های مختلف بحث برانگیز شد. هرچند مانند بیانیه های قبلی از نظر زمان انتشار و محتوی سیاسی مهمترین نقش آن ترمز و سرعت گیر مبارزات مردم بود و بس.

این بیانیه در شرایط مشخصی صادر شد که: از طرف کشورهای قدرتمند سرمایه داری و نوکران منطقه ای آنها چندین قطعنامه تحریم به نام دولت ایران و به کام مردم ستمدیده ایران صادر شده بود، سایه های وحشت و خطرناک تقابل نظامی گاه و بیگاه رنگ می گیرند، حتی دول ارتجاعی افغانستان و عراق هم دولت ایران را به نقض حقوق بشر محکوم می کنند و فشار اقتصادی آنچنان گلوی مردم را می فشارد که هر آن امکان سرازیر شدن آنها به خیابانها بصورت قهرآمیز وجود دارد. از طرف دیگر جناح حاکم در دولت هم با زبانی بیرون افتاده و نفس نفس زنان در سرکوب مردم کم نمی گذارد. طرح های مختلفی برای کنترل جوانان و زنان در حال اجرا بود و هست، دستگیری فعالین کارگری و زندانی و شکنجه کردن آنها اوج گرفته، در یکی از سبعانه ترین اقدامات، این رژیم دست به اعدام تعدادی از فعالین سیاسی و زندانی زد که موج اعتراضات مختلفی را هم دامن زد، اصلاح طلبان باقی مانده در دایره قدرت هم دائماً در حال تقابل با جناح احمدی نژاد هستند و روزانه پته یکدیگر را روی آب می ریزند، فریاد چماق بدستان نوب شده در ولایت دیگر قطع نمی شود و عریبه های پاسداران بدون یونیفرم برای مردم عادی شده، حتی در خود جناح اصولگرای حاکم هم درگیری بالا گرفته و در حال دریدن پاچه یکدیگر هستند.

این بیانیه مهر اوضاع و احوال سیاسی مشخص را بر خود دارد. قبل از هر چیز بیان هراس چندگانه رهبران موج سبز است. هراس از مردم و رادیکال شدن مبارزات آنان، هراس از رویگرداندن کامل مردم از برنامه های سیاسی و بی عملی رهبران سبز؛ هراس از برنامه های قدرتهای بزرگ و فشارهایی که بر جمهوری اسلامی وارد می آید و هراس از فروپاشی ناگهانی این رژیم زیر فشارهای چند سویه!

آقای موسوی با این بیانیه خواسته «رهنمودهای» خود مبنی بر خانه نشستن را رفع و رجوع کند. حال می پرسیم آقای موسوی چرا با آمدن مردم به خیابان مخالفت کردید؟ آنهم چندین بار و حتی صوتی و تصویری؟ صدور بیانیه 18 شما در این اوضاع چه معنایی داشت؟ و چرا با این محتوی سیاسی صادر شد؟

پاسخ کوتاه ما:

فرمان عقب مانده شما مبنی بر ماندن مردم در خانه ها، زشت تر از تاکتیک شما در 22 بهمن بود و خائنانه تر از فرمان شما در ماههای قبل مبنی بر عزاداری های سکوت بود وقتی که جوانان ما در خیابانها کشته می شدند. از این راحت تر نمی شد با سرکوب وحشیانه بسیجی ها و یاران دبیروز خودتان همراهی کنید؟ فراخوان شما و کروی مبنی بر لغو تظاهرات خیابانی در سالگرد 22 خرداد، جوانان زیادی از طرفداران رهبری سبز را مات و گیج کرد. آنها انتظار داشتند که شما در عمل، عدم همراهی تان را با سران جمهوری اسلامی نشان دهید. ولی واقعیت اینست که ترسیدید اوضاعی پدید آید که با توجه با فشارهای خارجی و خشم توده مردم نتوانید آن را کنترل کنید و دولت جمهوری اسلامی تان بر باد رود. و این بار نمی خواستید روز ششم دی ماه _ عاشورا _ تکرار شود.

در بیانیه تان باز مفهوم سبز را تعریف کرده اید و ایدئولوژی اسلامی اش را با مُرادتان خمینی بازتعریف کرده اید. باز هم تورتان را آنچنان باز کرده اید که بقول خودتان تمام گرایشهای مخالف و موافق و گفتمان های سیاسی مختلف بتوانند در آن آرام بگیرند و ... وای به روزی که شما آنرا جمع کنید! با سبز علوی و اسلام خمینی و اجرای قانون اساسی دوران امام راحلتان چه بر سر این نیروها و مردم خواهد آمد؟

هم در لغو راهپیمایی مردم و هم در بیانیه تان باز تاکید به عدم

کنیم. در 18 تیر 78 ما دانش آموز بودیم و در کنار دانشجویان شب ها را به صبح می رساندیم و اکنون که دانشجو هستیم باید اهمیت نقش آن ها را بدانیم. جنبش دانشجویی به عنوان یکی از جنبش های اجتماعی که عنصر آگاهی در آن نقش برجسته ای دارد باید بتواند در کنار جنبش های دیگر مانند زنان که نیروی قدرتمند، با انگیزه و بسیار رادیکال خیزش بودند و همچنین جنبش کارگری و معلمان و ... پیوند مبارزاتی برقرار کند. باید بتوانیم کمبودهایی را که در خیزش بود، جبران کنیم. مانند توجه به مسائل زنان در جامعه، خواسته های ملل تحت ستم و مطالبات اقشار تحتانی جامعه، کارگران و زحمتکشان نقطه ضعف این حکومت ظالم، مستبد و استعمارگر است.

باشد در 18 تیر، مبارزه ای را رقم زنیم تا همگان بدانند که هنوز سیلاب خروشان مردم در جریان است. این رژیم در بحران عمیقی بسر می برد از همه سو مورد حمله مردم قرار گرفته حتی امپریالیست ها که به اشکال مختلف به سرپا ماندن این رژیم یاری رساندند به عدم کارایی این رژیم و بی پایگی اش پی برده اند. هر جرقه در یک گوشه ی کشور علیه این حاکمیت می تواند تبدیل به حریق بزرگ شود در این میان دانشگاه نقش مهمی را می تواند ایفاء کند. این را بیش از هر کس خود مرتجعین می دانند.

یاد و خاطره همه کسانی را که در 18 تیر 78 و 18 تیر 88 به دست مزدوران و قاتلان رژیم کشته شدند را آنگونه که شایسته است گرامی بداریم. ■

ادامه از صفحه 5

احمدی نژاد در نقطه مقابل، با تلاش در بازگرداندن فضای جامعه به سالهای آغازین حاکمیت جمهوری اسلامی، درصد سرکوب مبارزات زنان بود. در این سالها شاهد مبارزات زنان با گشتهای ارشاد و شکل گیری مبارزات دختران دانشجو در فضای دانشگاه بودیم. یکی از این نمونه ها برگزاری مراسم ۸ مارس سال ۸۵ در دانشگاه تهران بود.

بررسی تاریخی مبارزات زنان از آغاز شکل گیری جمهوری اسلامی، نتایج قابل توجهی را به دست می دهد. مهمترین مسئله، خودبخودی بودن مبارزات زنان در طول این مدت است. علی رغم سابقه طولانی ستم بر زنان ایران و حضور حداکثری آنان در عرصه های علمی، کمتر شاهد بوده ایم که در جهت آگاهی عمومی زنان نسبت به اصول جنبش زنان، تلاشی صورت گیرد. در همین راستا زنان از دارا بودن تشکلهای مستقل خود برای هر چه متحد شدن در راه رهایی محروم بوده اند. هر دو نکته ی مهم فوق مبارزات زنان را به سوی مطالبات حداقلی چون دیه ی برابر، حق حضانت، حق طلاق و ... سوق می دهد و در جهت هر چه منفعل کردن این جنبش نقش خواهد داشت. نتیجه آنکه، مبارزات زنان بایستی رهایی از بار ستم جنسیتی باشد و دستیابی به این هدف مستلزم اتحاد زنان و شکل گیری مبارزات آگاهانه ی آنان است. آگاهی از عوامل ستم بر زن و چگونگی ریشه کن نمودن قطعی این عوامل نه تسکین کوتاه مدت درد. دانشگاه تهران بود. سرانجام با برگزاری انتخابات اخیر و فوران خشم عمومی در پی این جریان بار دیگر شاهد حضور حداکثری زنان در میدان مبارزه بودیم. شدت حضور به اندازه ای بود که مردان نیز به آن اعتراف می کردند. ویژگی دیگر این حضور، شدت رادیکالیسم آن بود که نتیجه ستمهای مضاعفی است که زنان در جامعه کنونی متحمل می شوند. ■

سه شعر برای سرباز

پیمان فاضلی

1

از جنگ که برگشتی
به مادرت گفتی
تنها یک تیر به سمت دشمن رها کردی
از جنگ که برگشتم
به مادرم حرفی برای گفتن نداشتم
در نزدیک ترین گورستان
-به اشک هایش -

خفتم

با یک تیر
در قلبم

2

«شطرنج»

به دشواری خواستن
دو خانه به پیش رفت
و می دانست برای هدفی
بزرگ
يك قربانی كوچك
-يك سرباز -
به شماره نمی آید
حتا اگر بازی میان دو دوست باشد

3

نامه با نام خدا آغاز می شود
جنگ
با مرگ اولین سرباز

■
■

برخورد خشونت آمیز داشتید. از اینکه این جنبش مبارزه اش را با سکوت دنبال کند و اینبار مردم در داخل خانه ها باید ساکت باشد تا ... چه مفهومی دارد؟ اصلاً از شما با پیشینه درخشان دوران نخست وزیری تان و قلم برانتان در روزنامه جمهوری اسلامی بعید است که اینقدر از خشونت بپرهیزید! ولی نکته اینجاست که شما باید وفاداری تان به بخشی از سران نظام که هدف پروژه های شما هستند و البته به قدرتهای سرمایه داری خارجی در زمینه حفظ نظام موجود یا توانایی انتقال قدرت بدون نقش آفرینی مردم، ثابت کنید.

منطق شما یک خط در میان ترجمه و به نام بیانیه 18 صادر شده است. ما خطوط جامانده اش را اتفاقی خواندیم: نفی این خشونت که شما از آن نام برده اید و در بیانیه یا منشورتان فرموله اش کرده اید همان مندی است که با آن یکسال است که سوار این خیزش شده اید. دانشگاهها و خوابگاههای ما با خون جوانان سرخ شد، مردم هنوز در یاد پیکر غرقه در خون ندا و سهراب و کیانوش و ترانه و ... هستند، مردم کردستان و دانش آموزان مدارس کل ایران هنوز قصه های رفیق معلممان - فرزند - را می خوانند، دیگر کارخانه و کارگاهی نیست که کارگری در زندان نداشته باشد، دیگر امیرآباد و آریا شهر و ونک و نقاط بسیار زیادی از شهرهای دیگر ایران یادآور خاطرات دوران کودکی ما نیستند بلکه یادآور مبارزات مردمی هستند که سالهاست برای حقوق پایه ای و اجتماعی خود جان می بازند. آری آقای موسوی در برابر این خشونت سیستماتیک دولتی علیه مردمی که حتی یک سازمان و تشکل مردمی و نهاد غیرحکومتی ندارند، نباید سکوت کرد، نباید به خانه بازگشت، نباید گل به چماقدار داد و نباید زبان در کام فرو بُرد. در برابر این خشونت و سرکوب میلیتاریزه باید کاری کرد که شما از آن وحشت دارید. عاشورا وحشت را به دلتان انداخت و دست پاچه تان کرد. باید رزمید و مبارزه کرد و پاسخ مناسب به سرکوبگران داد.

دقیقاً چون شما نمی خواهید این نظام عوض شود و آنرا در بیانیه تان داد زده اید، دنبال هر راهی برای آشتی یا معامله می گردید و البته می دانید که به لطف زحمات و الطاف شما در دوران نخست وزیری تان - در همراهی با یاران دیروزتان- فعلاً نیروی سازمانده و متشکل مردمی در کشور ما نمانده است. می ترسید که این مبارزات خودبخودی تبدیل به آگاهی و تشکل انقلابی شود. نمونه عاشورا بانگ مهیبی بود که طنین آن دائم در گوشتان می پیچد.

درست است، ما این کمبود را هنوز نتوانسته ایم جبران کنیم و شما بهتر از ما پیش رفته اید. چرا که شما هنوز بخشی از حکومت هستید و اهرمها و شبکه های داخلی و خارجی خود را دارید و به طرق مختلف سعی می کنید که برای گرفتن سهم تان از قدرت و خروج از بحران از طریق متحدین داخلی و یاری امپریالیستها و بدون اینکه توده مردم دچار زیاده خواهی شوند تلاش دارید. جلوی رشد مبارزات رادیکال مردم را تا حدی بگیرید ولی این امر به خاطر حدت و شدت و عمق بحران در کلیت نظام تان چند صباحی بیشتر نخواهد پایید و حتی ما شاهد شکافهای جدید در سطح و عمق در نیروهای حاکمیت هستیم. و ما منشورمان را در خیابان ها صادر خواهیم کرد. اتحاد ما بر مبنای سبزه علوی شما و برهان قاطع امامتان نخواهد بود بلکه برپایه آگاهی توده ای مردم و بخصوص پیشروترین بخش زنان و جوانان شکل خواهد گرفت. آنوقت ببینید که این چماقداران چگونه دربدر سوراخ موشی می جویند. مفهوم مبارزه در آنروز از قالب تنوریک به عرصه عمل خواهد رسید و خشم عادلانه مردم که هم شما و هم نیروهای فعلی در قدرت را خوب به یاد دارند آتشی به پا خواهد کرد که شعله هایش سرخ سرخ خواهد بود. ■

ارسال شده توسط پروسه

از سایت پروسه دیدن کنید

www.process2010.blogspot.com

18 تیر از نگاهی دیگر!

نسیم لطفی

امسال در حالی که هجدهم تیر می رسیم که در سال گذشته مردم در مبارزاتی چندین ماهه علیه رژیم درگیر بودند. اختلافات جناح های مختلف نقش مهمی در جرعه زدن به این مبارزات داشت. علیرغم اینکه جناح اصلاح طلب مشخصا در راس آنها موسوی و کروبی تلاش کردند که این مبارزات را کنترل و بی ضرر کنند و دستاوردهای آن را به جیب خود بریزند، ما با رشد گرایشات رادیکال در میان مردم روبرو بودیم.

این گرایشات رادیکال عمدتا خودبخود در این مبارزات شکل گرفت و علیرغم خواست رهبران موج سبز، کل نظام را نشانه گرفت و در شعارهای مختلفی ضد رهبر و ولایت فقیه و غیره منعکس شد.

اما بدلیل فقدان رهبری انقلابی موثر بر اوضاع جامعه، تلاش های گرایشات چپ به بار ننشست و نتوانست موجی متفاوت، منسجم و سازمان یافته را بوجود آورد.

تلاش های چشمگیر دانشجویان تاثیراتی در قسمتهایی از مبارزات خیابانی بخصوص در روزهایی مثل هجده تیر سال گذشته و در ادامه در روزهای شانزده آذر و نقطه اوج آن مبارزات - تظاهرات در روز عاشورا گذاشت. دانشجویان با آتش زدن عکس رهبر و خمینی یکی از پایه های اصلی حکومت دینی را مورد هدف قرار دادند و با طرح شعارهایی مثل ما زن و مرد جنگیم در برخی مکان ها یکی دیگر از ستونهای مهم رژیم یعنی ستم جنسیتی که بر اصول دینی استوار هست را زیر ضرب بردند.

برای سرکوب و در دست گرفتن اوضاع، رهبران موج سبز در هر مبارزه ای سیاست سکوت و مسالمت و حفظ آرامش را موعظه کردند. و همراه با آن کل نظام علیه گرایش سرنگونی طلب همه جانبه وارد عمل شد. سیاست سکوت و مسالمت به جز سران داخلی، بشکل سازمان یافته در بلندگوهای قدرتهای امپریالیستی به شکل های مختلف مطرح شد، امثال نوری زاده و سازگارا هر روز در همراهی با رهبران موج سبز در داخل علیه رادیکال شدن این مبارزات اقدام کردند.

این سیاستها بر مبارزات مردم تاثیر گذاشت و بخش هایی را که بطور خودبخودی بدنبال این سیاستها افتاده بودن را سردرگم کرد. برخی از جریانات سیاسی مانند رفرمیست در داخل و خارج و گرایشات ملی مذهبی و رفرمیست هم همراهی و تلاش خود را دوچندان کردند تا این بحران سیاسی را به طریقی حل کنند که اساس نظم حاکم ضربه جدی نخورد.

جناح احمدی نژاد و رهبر هم با اتخاذ سیاستهای مختلف سرکوب، مانند کشتار مردم و به زندان انداختن و شکنجه های کهریزکی و استفاده از انواع و اقسام نیروهای سرکوبگر توانستند به میزان زیادی مانع از ادامه یابی موج مبارزاتی یکساله اخیر شوند.

دانشگاه یکی از آماجهای اصلی سرکوب بود. سیاستهای جداسازی جنسیتی در دانشگاه ها، گزینش بومی، انتقال برخی دانشگاه ها و منحل کردن برخی خوابگاه ها و منتقل کردن قسمت هایی از خوابگاهها به محل های دیگر جهت پراکنده کردن دانشجویان و جلوگیری از مبارزات متمرکز آنها و تاثیرگذاری آنها برهم، از سوی جمهوری اسلامی سازمان داده شد تا جنبش دانشجویی را که نقش مهمی در مبارزات اخیر داشت ناکار کند. لیست پشت لیست از دانشجویان مبارز و ضد رژیم بیرون آمد، ادامه یابی سیاست ستاره دار کردن و سیاستهای دیگر، به همراه حضور مستقیم نیروی بسیج

در دانشگاه ها، هر چه بیشتر برای سرکوب و مقابله با مبارزات دانشجویان انجام شد.

دانشجویان در دانشگاه های مختلف علیه حضور مسئولین رژیم در برخی دانشگاه ها حضور بسیجی ها در دانشگاه مبارزه کردند. علیه جداسازی جنسیتی در دانشگاه آزاد و دانشگاه های دیگر یا در روزهایی مثل اول ماه مه و یا بیست و دوم خرداد در دانشگاه تهران مبارزه ای از جانب دانشجویان انجام شد که مانند اکثر مبارزات این دوره خیزش، دانشجویان دختر در سازماندهی و پیشبرد آن نقش تعیین کننده داشتند.

در سی خرداد دوباره لغو مبارزه به هر شکلی از جانب موسوی و کروبی و زهرا رهنورد و غیره به اشکال مختلف تبلیغ شد و در اطلاعیه های آنها، دعوت به همان سیاست تسلیم اوضاع شدن و در همین چارچوب باقی ماندن شد.

و اما اکنون در آستانه هجده تیر خیلی ها در حال بررسی این مسائل و مبارزات خودشان و تلاش برای جمع بندی هستند که چگونه باید مبارزه کنیم تا بتوانیم موج و صف مستقل خودمان را داشته باشیم و مسئله فقدان رهبری رادیکال و فقدان تشکل را چگونه تامین کنیم. این موضوعات و جمع بندی درست از آنها از مهمترین مسائلی هستند که پیشروان دانشجویی و روشنفکر باید به آن پاسخ گویند.

نیاز به آگاهی و رهبری آگاه کمونیستی و انقلابی در جنبش دانشجویی و افشار دیگر مردم هست. جنبش کمونیستی دستاوردهای مهم و تعیین کننده ای در چگونگی پاسخگویی به این مسائل دارد که باید از آنها بدرستی استفاده کنیم و قبل از همه آنها را بشناسیم. قبل از هر چیز باید این دستاوردهای را چه در ایران و چه در کشورهای دیگر مطالعه کنیم و با جمع بندی علمی و نقادانه از آنها راهگشایی کنیم.

باید بتوانیم در مبارزات آتی موج و قطبی انقلابی را در اتحادهای گسترده بوجود آوریم. و از مبارزات سال گذشته در زمینه های مختلف جمع بندی کنیم.

تضادهای پایه ای مثل ستم طبقاتی، ستم ملی، ستم جنسیتی و تبعیضات مختلفی که پایه این مبارزات در ایران بود کماکان وجود دارند و علیرغم افت موقتی در مبارزه (به خاطر سیاستهای رهبران سبز و سرکوبگری رژیم) این تضادهای پایه ای در آینده می توانند به شکل های دیگر بروز یابند و ما باز هم شاهد انفجارهای دیگری در جامعه شویم. رژیم با اعدام گروهی از مبارزین مانند فرزاد کمانگر به خیال خود خواست مردم را بترساند اما نتیجه اعدام این انقلابیون رشد مبارزات مردم در کردستان - به شکل اعتصاب سراسری سازمان یافته بود. به دلیل ستم ملی، و سابقه مبارزاتی سی ساله کردستان جایگاه خاصی در مبارزات مردم ایران یافته است و میتواند الهام بخش دیگر مناطق گردد.

درس های زیادی است که باید بررسی و جمع بندی شوند. جنبش دانشجویی باید در مبارزه علیه کلیت این نظام صف خود را از رهبران موج سبز و سیاست های سکوت طلبانه و منفعلانه آنها جدا کند. به اشکال گوناگون و با سیاستهای مبارزاتی روشن صف مستقل خود را بوجود بیاورد. و بتواند بر پایه سیاست انقلابی و رادیکال و اتکا به جمع بندی های کمونیستی، بنای یک جبهه انقلابی را برای ایجاد موجی دیگر در مقابل موج سبز بوجود آورد. ■

تکامل مبارزات زنان!

آلاله

معرفی دنیل کلمنت دنت

Daniel Clement Dennett

http://en.wikipedia.org/wiki/Daniel_Dennett

دنیل کلمنت دنت (۱۹۴۲-) از برجسته ترین فیلسوفان تحلیلی آمریکا است. او در زمینه فلسفه ذهن، فلسفه علم و فلسفه زیست شناسی به خصوص نظریه تکامل و علم شناختی کار کرده است. نظریه معروف دنت در فلسفه ذهن پدیدار شناسی ناهمگن است. دنت منکر وجود کیفیات ذهنی است و حالات ذهنی را محصول تکامل نوع می‌داند. از میان نظریات مربوط به ذهن به کارکردگرایی غایت شناختی گرایش دارد.

دنت خداناباور و سکولار است و یکی از حامیان جنبش روشن ها **Brights Movement** به شمار می‌آید. دنت فرگشت **Evolution** یا تکامل از راه انتخاب طبیعی را فرایندی الگوریتمی می‌داند. این نگرش با دیدگاه دیرین شناس مشهور استفن جی گولد در تضاد است. گولد فرگشت را فرایندی مرکب می‌داند که به بسیاری از عوامل وابسته است و انتخاب طبیعی را تنها یکی از این عوامل می‌شناسد. نگرش دنت در مورد فرگشت، در راستای فرضیه او بنام موضع عمده، بیشتر به عنوان دیدگاهی بسیار سازش گرایانه ارزیابی می‌شود. او در کتاب خود بنام عقیده خطرناک داروین، با اختصاص بخشی از کتاب به نقد نظرات گولد، نشان داد که حتی بیش از **داوکینز** مایل به دفاع از سازش گرایان است. گولد و حامیانش با گفته‌های دنت بسیار مخالفت کردند و بیان نمودند که دنت نظرات گولد را به اشتباه معرفی کرده است. نظرات دنت اثر به سزایی بر روی کارهای روان شناس فرگشتی جفری میلر داشته است. در زیر دو لینک بسیار جالب را می‌توانید ببینید که اولی مربوط به یک شوی علمی از دنیل کلمنت دنت و دومی مربوط به پرسش و پاسخ از داوکینز در مورد وجود خدا است:

1

<http://www.youtube.com/watch?v=ZIPco0MSIZQ>

2

http://www.youtube.com/watch?v=Um2cWjFDVXo&feature=player_embedded

ریچاردز داوکینز و اثر برجسته اش "پندار خدا" در شماره های قبلی بذر به خوانندگان معرفی شده است.

تمامی زنانی که در سنین 20 تا 35 سال می باشند سالیانه را به یاد دارند که کودکی شان به دنبال همراهی دو رکن ارتجاعی یعنی حکومت اسلامی و مردسالاری به روزهای تلخی بدل گردید. از سن 6 سالگی مجبور بودیم حجاب اجباری را تحمل کنیم. نباید با پسر ها بازی می کردیم. نباید می خندیدیم چون در اوج کودکی بزرگ می شدیم و خندیدن برای زنان قبیح بود. به 9 سالگی که رسیدیم به جای شادی از آغاز بلوغ و گذار از یک مرحله بحرانی، باید خویش را سرکوب می کردیم، زیبایی های مان باعث شرمندگی بود و باید از اندام خود خجالت می کشیدیم و آن را می پوشانیدیم تا باعث فساد نگردد. در مدارس و اجتماع درگیر زنان جلادی بودیم که خود آنان در



بازتولید ستم بر زنان موثر بودند. تمامی این قبیل مسائل تا کنون برطرف نشده اما چون تأثیرات آن در کودکی نسل ما مربوط به گذشته است به صورت یک مسئله تاریخی بیان گردید. هم اکنون هم جلادان زن در مدارس، دانشگاهها، گشتهای خیابانی، زندانها و سایر ارکان اجتماع به اقدامات ستمگرانه علیه زنان مبادرت می ورزند و هنوز زنجیر مذهب بر دست و پای مردم بسته است. اما تکامل تاریخی جامعه و افزایش اجتناب ناپذیر زنان در عرصه های اجتماعی به ویژه دانشگاه، از سوی این نیمه ی جامعه نیز عکس العمل های مهمی را ایجاد نمود. پس از سالها خفقان و سرکوب در جامعه شاهد حضور دختران دانشجو در مبارزات دانشجویی تیر ماه 78 بودیم. این دختران که انگیزه های بسیار زیادی در جهت رهایی خود و جامعه دارا بودند در میدان مبارزه نیز از سوی همزمان خود تحت ستم واقع می شدند. پسران دانشجو از حضور دختران ممانعت می نمودند و آنها را مناسب این عرصه نمی دانستند و شعار مهم آن سالها شعارهای کاملاً مرد سالارانه بود: "توپ، تانک، مسلسل/ دیگر اثر ندارد/ به مادرم بگوئید/ دیگر پسر ندارد" یا "می کشم می کشم آنکه برادرم کشت".

سالها از پی هم سپری می شدند و حضور حداکثری دختران دانشجو در دانشگاهها، حکومت اسلامی و مردان را به وحشت می انداخت. دیگر نمی شد از حضور دختران در اعتراضات مردمی علی الخصوص جنبش دانشجویی ممانعت کرد. حضور آنان در مبارزات سالهای 82 و سالگردهای 8 مارس، نشان از توان بالای آنان در رهایی جامعه داشت. خاتمی که نقش این نیمه ی مؤثر و پر انگیزه ی جامعه را نادیده نمی گرفت به منظور جذب رضایت آنها، در زمینه ی تنگناهای فرهنگی جمهوری اسلامی مثل روابط جوانان و حجاب، آزادی هایی را تحت عنوان اصلاحات به میدان آورد. اما با این اقدامات نمی توانست مسئله ی ستم برزن را که ریشه در قوانین اسلامی و اساس نظام جمهوری اسلامی داشت، حل کند.

ادامه در صفحه 3

معرفی فیلم آگورا

ساحل نیکنام

محصول سال 2009 اسپانیا

کارگردان: Alejandro Amenabar



نیکلاس کوپرنیک (Nikolaus Kopernikus) (1543 - 1473) - ستاره شناس و ریاضی دان لهستانی بود که نظریه ی خورشید مرکزی منظومه شمسی را بسط داد و به صورت علمی درآورد. وی به این نتیجه علمی رسید که بر خلاف تصور پیشینیان زمین در مرکز کائنات قرار ندارد بلکه این خورشید است که در مرکز منظومه شمسی است و سایر سیارات از جمله زمین به دور آن در حال گردشند.

گالیلئو گالیله (Galileo Galilei) (1642 - 1564) دانشمند و مخترع ایتالیایی در سده های 16 و 17 میلادی. گالیله از پایه گذاران تحول علمی و گذار به دوران دانش نوین بود. بخشی از شهرت وی به دلیل تأیید نظریه کوپرنیک مبنی بر مرکزیت نداشتن زمین در جهان است که منجر به محاکمه وی در دادگاه تفتیش عقاید شد. گالیله با تلسکوپیی که خود ساخته بود به رصد آسمانها پرداخت و توانست جزئیات سطح ماه را مشاهده کند.

یوهانس کپلر (Johannes Kepler) (1630 - 1571) دانشمند، ریاضی دان و منجم آلمانی. کپلر در قوانین سه گانه ی خود مدل جدیدی از عالم را ارائه می داد که تمام تصورات بشر از دنیای اطراف خود را هدف گرفته بود. این قوانین نه تنها در مورد حرکت سیارات منظومه ی شمسی به دور خورشید پاسخگو بود، بلکه چگونگی حرکت چهار قمر بزرگ مشتری که چندی بعد گالیله آنها را یافت را نیز به دقت خوبی پیش بینی کرد. کشف این اقمار چهارگانه دلیل خوب و واضحی بود که همه اجرام جهان هستی به دور زمین نمی چرخند. بشر امروزه از همین قوانین به منظور بررسی حرکت ماهواره ها به دور زمین استفاده می کند.

گزاره های انقلابی این دانشمندان از درخشانترین کشفیات تاریخ بشر است که نه فقط آغازگر ستاره شناسی نوین بود، بلکه دیدگاه بشر را درباره جهان هستی و موقعیت خود انسان در این جهان را دگرگون کرد.

اما آیا جنبه هایی از حقایق علمی کشف شده توسط این دانشمندان، تا پیش از آنها هرگز کشف نشده بود؟ چه چیزهایی کشف شده بود و چرا برای قرن ها به زیر آوار رفته بود؟ و توسط چه نیروهایی این کار انجام گرفته بود؟ و برای چه منافع؟

"آگورا"

فیلم "آگورا" (1) را ببینید تا پاسخی باشد به کنجکاوای ذهن شما.

"آگورا" در فاصله ی ماه مارس تا ژوئن 2008 به کارگردانی (آلخاندرو آمبار) در جزیره مالت فیلمبرداری شد و در سال 2009 به پرده در آمد. این فیلم توسط برخی ابواب کلیسا و دنیای مسیحیت عنوان "شرم آورترین" فیلم سال را بخود گرفت.

فیلم بر اساس یک واقعیت تاریخی ساخته شده است و بر ستیز میان علم و دین در میانه ی فروپاشی ادیان چند خدایی (یا کفر) و پذیرش مسیحیت توسط امپراتوری روم، نور می اندازد. زمان به قرن چهارم میلادی در شهر اسکندریه بر می گردد. مصر: سرزمین فانوس دریایی، اهرام و بزرگترین کتابخانه ی تاریخ تا آن زمان.

اما این کتابخانه فقط یک نماد فرهنگی نبود بلکه مکانی بود که "پاگان" ها (کافرها، یا چند خدایی ها، یا آنهایی که ادیان ابراهیمی و تک خدایی را باور نداشتند) به خدایان نیاکان خود احترام می گذاشتند.

با این توضیح در آغاز فیلم و نمایی از آسمان پرستاره و کره زمین؛ و آهنگی محزون که پژواک دنیای کهن است، متوجه می شویم با فیلمی غیرمتعارف سر و کار داریم که به موضوع علم و دین و جدال بین ایندو می پردازد.

آوای زنی به گوش می رسد:

«چند تا ابله تا حالا پرسیده اند چرا ستاره ها از آسمان نمی افتند؟

اما تو که دانا هستی می دانی که ستاره ها نه بالا می روند و نه پائین. آنها از شرق به غرب می روند در عالیترین مسیری که تا حال دیده شده است. دایره. و چون آسمان قلمرویی دایره وار است ستاره ها هیچوقت نیفتاده و نخواهند افتاد.

اما اینجا روی زمین چی؟ روی زمین جنازه ها می افتند اما نه در حرکتی دایره وار بلکه در حرکتی خطی»

کلاس درس هیپاتیا با این سخنان شروع می شود.

هیپاتیا آموزگار مدرسه "پلاتونیک" (افلاطونی) است. مدرسه ای که رهبران آتی جامعه (که هم از پیروان مسیح در بین شان هست و هم بیشتر پاگانیست - کافر - هستند) آموزش می بینند. هیپاتیا، دختر "تئون" رئیس کتابخانه اسکندریه است و زندگی خود را وقف کشف حقیقت در باره ی کائنات و جهان هستی کرده است. او زنی ریاضی دان، فیلسوف و ستاره شناس است. متفکری بزرگ است و در مورد کاستی های نظریه و مدل "زمین مرکزی" تحقیق می کند. (2). هیپاتیا در دوره ای زندگی می کند که هنر و علم در حال شکفتن است اگرچه هنوز برده داری امری عادی است. در آن دوره زن بودن و آنهم در موقعیت آتوریته ی روشنفکری قرار داشتن خیلی غیرعادی نبود. اما مسیحیت در حال سر بلند کردن است و پیروانش سعی می کنند هم در عرصه ی سیاست و هم دین، دست بالا را بگیرند. برای همین ایده های شرک آمیز (در آن دوره پاگانیسم) را مورد حمله قرار داده و

مانند حرکت های امروزی پاپ و ولی فقیه در ایران، این آدمیان گوسفند مسلک را مورد عنایت قرار می دهند.

در این زمان هیپاتیا به همراه دوستی وفادار به کنکاش های علمی خود ادامه می دهد و گام به گام به کشف حقیقت نزدیک می شود. او ابتدا نظریه ی صاف بودن زمین را بطور قطعی رد می کند. نظریه ی او مورد حمله قرار می گیرد. در گفتگویی بین اعضای "پارابولانی" یکی می گوید: «اگر زمین گرد است پس چرا مردم نمی افتند؟ کتاب مقدس را بخوانید». در ادامه هیپاتیای دانشمند بدون هیچ شکی و با محاسبات دقیق ریاضی نظریه ی "هلیوسنتریزم" (خورشید مرکزی) (5) را پیشنهاد می دهد. اما هیپاتیا در این نقطه نمی ایستد. او تناقضاتی را در کشفیات علمی اش متوجه می شود. به تحقیق در باره ی حرکت سیارات به گرد خورشید دست می زند و متوجه می شود این حرکت نمی تواند منطبق بر شکل کروی زمین باشد. و به این نتیجه می رسد که عالم (که آن موقع با 7 ستاره و سیاره توضیح داده می شد) یا باید دو مرکز داشته باشد و یا اینکه باید شکل دیگری بغیر از دایره در جایی در آسمان قایم شده باشد! او می گوید: «خورشید چشمان ما را کور کرده تا واقعیت ستارگان و حرکت دیگر اجرام آسمانی را نبینیم. باید با چشمانی جدید نگاه کنیم.» هیپاتیا با دقت و شگفتی یک دانشمند محاسبات ریاضی اش را انجام می دهد و مساله را به نتیجه می رساند. یکم: زمین گرد نیست، بیضی است؛ دوم: مسیر حرکت سیارات به دور خورشید بیضی است و خورشید در یکی از دو کانون (فوکسهای) این بیضی قرار دارد. (12 قرن بعد، حقیقت کشف شده توسط هیپاتیا بعنوان قانون اول و دوم کپلر در علم نجوم ثبت می شود) (6). لحظه ای که هیپاتیا به این کشف علمی دست پیدا می کند لحظه ای تکان دهنده در فیلم است. ببیننده حس دلپذیر رهایی را در هیپاتیا مشاهده می کند.

سیریل که اکنون به بالاترین مقام مذهبی در اسکندریه رسیده، نگران کشفیات علمی هیپاتیا و تاثیرات او می شود. او که پیشاپیش هیپاتیا را از تدریس محروم کرده بود، بزرگان شهر را در کلیسا جمع می کند و از نامه ی پائول (قدیس مسیحی) به تیموتی نقل می آورد:

«من زنانی را می خواهم که لباس های قدیمی بپوشند ... موی آنان بلند نباشد ... زنی که در سکوت کامل فرمانبرداری کامل می کند ... من اجازه نمی دهم زنی آموزگار یک مرد باشد و یا بر مرد فرمان براند ... زن باید کاملاً ساکت باشد». سریل صحبتش را اینطور پایان می دهد: «این کلام خداست ... برای همین نجات دهنده (مسیح) میراث خود را برای 12 مرد گذاشت و حتی یک زن هم در میانشان نبود»

نشانه هایی که سریل از قول پائول قدیس می آورد، تماماً به هیپاتیا شبیه اند. هیپاتیا موهای بلند زیبایی دارد و مانند مسیحیان موهای خود را نمی پوشاند، لباس های تیره نمی پوشد و هیبت ظاهری او در بازار یگانه است. خطر مرتباً به هیپاتیا نزدیک تر می شود. برخی از شاگردان قدیمی او که اینک مسیحیت را پذیرفته و از طرف امپراتوری روم مسیحی شده در مقام های بالای حکومتی در اسکندریه قرار گرفته اند، سعی می کنند هیپاتیا را قانع کنند که به خدا (مسیح) ایمان بیاورد. هیپاتیا در جواب می گوید: «من به فلسفه ایمان دارم.»

سیریل جماعت "پارابولانی" را تحریک می کند که هیپاتیا جادوگر است و باید کشته شود. جماعت جاهل، هیپاتیا را دستگیر می کنند. او را عریان کرده و طبق احکام کتب مقدس به جرم جادوگر سنگسار می کنند. شاید هیپاتیای فیلسوف و ریاضی دان، نخستین زنی باشد که به این جرم سنگسار شده است. سریل بعدها از طرف کلیسا لقب قدیس می گیرد.

کاوش های دانشمندان و تحقیقات و شناخت علمی که منطبق بر تفکر دینی افسانه ی خلقت نبود را مورد پیگرد قرار می دهند.

صحنه ای از کلاس درس هیپاتیا:

"هیئت بطلمیوسی" (3) با ماکتی که "داوس" دانش آموز هیپاتیا ساخته معرفی می شود. طبق این ایده، زمین مرکز کیهان است. سیاره های عطارد، ناهید، مریخ، مشتری و زحل دور آن می چرخند. زمین ثابت است و این سیاره ها سرگردان. مناظره ای حول این فرضیه به جریان می افتد.

در این مناظره ی علمی، "اورستس" (از شاگردان هیپاتیا، عاشق او، حاکم آینده ی اسکندریه) اینگونه جواب می دهد:

«خدا باید با من مشورت می کرد. اگر سرگردان ها، سرگردان نبودند و همه یک دایره را شکل می دادند بهتر می بود.»

"سینه سیوس" دانش آموز مسیحی شده جواب می دهد: «به چه حقی کار خدا را قضاوت می کنی؟ تو اگر خلقت را نقد کنی خدای ما را نقد کرده ای و بما توهین می کنی»

"اورستس" که هنوز کافر است و ذهن باز و جستجوگری دارد پاسخ می دهد:

«شما مسیحی ها را چه می شود؟ بهترست به صحرا بروید. در آنجا چیزی نمی شنوید که شما را نقد کند...»

"اورستس" به هیپاتیا ابراز عشق می کند. هیپاتیا عشق او را رد می کند زیرا ترجیح می دهد یک دانشمند مستقل باقی بماند. در برابر پافشاری "اورستس"، هیپاتیا دستمال خونی ای را به او هدیه می دهد و وقتی با چشمان متعجب "اورستوس" روبرو می شود به او می گوید: «این خون پریود منست. تو می گویی هارمونی را در من یافته ای. با این نشانه می خواهم بتو بگویم پس بهترست جای دیگری را بدنبال هارمونی بگردی.»

در میانه ی این جدل های علمی، در شهر چیز دیگری جاری است. "پارابولانی" (4) در حال سازماندهی خود و مردم اند. کشیش آنها در کلیسا می گوید: «ما آمده ایم تا احمق را آگاه کنیم». منظور این کشیش از "احمق" ها آنهایی است که به حماقت های کلیسا و کتب مقدس باور ندارند. آشوب های مذهبی شهر را فرا می گیرد. مسیحی ها با پاگان ها و یهودی ها درگیر می شوند. شمار مسیحی ها رو به افزایش است. در جنگ پارابولانی با پاگان ها، آنها به کتابخانه عقب می نشینند و پارابولانی ستیز خود با خرد را در حمله به کتابخانه نشان می دهد. آنها با شعار "پارابولانی به پیش" (که چیزی است مشابه "حزب الله می میرد...")؛ و با فریاد "هاله لویا" (که چیزی است شبیه به "الله اکبر") عظیم ترین کتابخانه ی تاریخ تا آن زمان را در هم می کوبند و تومارهای نوشته شده بر پوست اهو را تحت عنوان "نوشته های کفر آمیز" به آتش می کشند. صحنه ی تاراج کتابخانه که از نظر بسیاری مورخین "مخزن تمام دانش جهان" تا اندوره بود و تلاش هیپاتیا برای نجات تومارها جزو صحنه های محوری فیلم است. او در این هنگامه می کوشد تا دانش بجای مانده از گذشتگان نابود نشود. صحنه ی بعدی هیپاتیا را نشان می دهد که گویی همه چیز را از کف داده است. او اندوهگین و گریان در ایوانی زیر آسمان تاریک نشسته و اندک تومارهای باقیمانده از تاراج را مرتب می کند.

سالها طی می شود. مسیحیت در حال گسترش است و "پارابولانی" (سربازان گمنام مسیح) مرتباً یهودی ها و پاگان ها را سرکوب می کند و نمادهای دینی و فرهنگی آنها را از بین می برد. کتابخانه ی اسکندریه خاک خورده و تار عنکبوت بسته؛ جولانگاه گوسفندان شده است. در این میان کشیش بزرگ اسکندریه می میرد و سیریل (رهبر پارابولانی) بر بالای جنازه او می ایستد و انگشتری او را در آورده و در انگشت خود می کند، کلاه او را بر سر گذاشته و یکباره از هیبت یک اوباش بی مغز، تبدیل به یک پدر مقدس متفکر می شود. او با هیبت جدید در مقابل جمعیت ایستاده و دست خود را بلند کرده و به

دو اظهار نظر انتخاب شده در باره ی فیلم آگورا

می کردند. بعدها وظایف بازار برای تجار و خرید و فروش نیز بعهده آگورا گذاشته شد.

(2): نظریه ی "زمین مرکزی" (ژئوسنتریک) بر این تصور استوار بود که مرکز عالم زمین است و ثابت می باشد. 7 سیاره ی تا آن زمان شناخته شده، طبق قانون خدا یا خدایان در مدار آن سرگردان می چرخند. این 7 سیاره عبارت بودند از: ماه، عطارد، ناهید، خورشید، مریخ، ژوپیتر (مشتری) و ساتورن (کیوان). بعدها موضوع این 7 سیاره و چگونگی حرکت آنها به مشغله ی بزرگ دانشمندان تبدیل شد. "زمین مرکزی" برای 1500 سال تفکر حاکم بر نجوم بود. تا اینکه از اواخر قرن 16 میلادی مدل خورشید محوری توسط کوپرنیک، گالیله و کپلر عکس آنرا ثابت کرد.

(3): نادرستی نقطه نظر بطلمیوس ثابت شده است. بطلمیوس فکر می کرد که زمین مرکز کائنات است و همه چیز گرد زمین در دوران است. این تفکر در یونان باستان تفکر غالب بود. این عقیده توسط ارسطو، افلاطون و اغلب - گرچه نه همه ی - فلاسفه ی یونان باستان پذیرفته شده بود که خورشید، ماه و ستارگان به دور زمین حلقه زده (و می چرخند). تفکری که در چین باستان هم رواج داشت. مدل "زمین محوری" با اعتقاد به کروی بودن و نه بیضوی بودن زمین همراه بود. تفکری که تا قرن 17 میلادی به چالش علمی کشیده نشده بود (مگر یکبار در قرن 4 میلادی توسط زن ستاره شناس، ریاضی دان و فیلسوف هیپاتیا که فیلم آگورا زندگی و مبارزه ی او را در راه کشف حقایق علمی به تصویر کشیده است).

(4): "پارابولانی": اعضای جامعه ی "اخوت مسیحیان" در دوره های اولیه شکل گیری کلیسا. "پارابولانی" داوطلبانه به دفن مردگان و یا پرستاری از بیماران دست می زدند که هزینه اش توسط کشیش های بزرگ پرداخته می شد. "پارابولانی" در آرزوی شهادت (مردن برای مسیح) بودند. آنها در مواقع ضروری نقش محافظین مقامات بلند پایه مسیحیت را بعهده داشتند. آنها جاهل و بنیادگرا بودند. چیزی شبیه همین "عاشقان شهادت" یا "عاشقان ولایت" که در ایران مشاهده می کنیم. عناصری مفتخور، تنه لش و جاهل و سازماندهی شده برای دست زدن به کشتار مخالفین. در تاریخ آمده است که برای نخستین بار پارابولانی در اواخر قرن سوم میلادی در اسکندریه توسط پاپ دیونیوس سازماندهی شدند. در فیلم آگورا، پارابولانی کسانی هستند که از عدالت و بازگشت مسیح حرف می زنند (شبیه "پارابولانی" های نوع اسلامی هستند که در انتظار امام زمانند) و هم زمان به پاگان ها و یهودی ها و حتا مسیحی هایی که مخاف اسقف آنها هستند، حمله می کنند. پارابولانی ها، هیپاتیا را سنگسار می کنند

(5): نظریه ی "خورشید مرکزی" (هلیوسنتریک): طبق این نظریه زمین و سیاره های دیگر به دور خورشید که مرکز کائنات تصور می شد، در گردش اند "خورشید مرکزی" نقطه ی مقابل دکترین مسیحیت بود که زمین را مرکز عالم دانسته و خورشید و سیارات دیگر را در گردش به دور آن تصور می کرد.

(6): قانون اول کپلر: مسیر حرکت سیارات به دور خورشید بیضی است و خورشید در یکی از دو کانون (فوکسهای) این بیضی قرار دارد. قانون دوم کپلر: خط واصل بین خورشید و سیارات در زمان های مساوی، مساحت های مساوی را جاروب می کند. به بیان دیگر زمانی که سیاره به خورشید نزدیکتر است با سرعت بیشتری حرکت می کند نسبت به زمانی که از خورشید دورتر است.

پدر "رابرت بارون" (کشیش عالیرتبه ی آمریکایی و استاد الهیات) می گوید: «ما مسیحیان باید در برابر این حملات خطرناک مقاومت کنیم ... "افسانه ی هیپاتیا" مانند داستان جردانو برونو و گالیله در خدمت ایدئولوژی ضد مذهبی قرار گرفته است...» این پدر مقدس که طبق گفته خود مکالماتی با دانشمند بزرگ و بی دین "کارل ساگان" داشته می گوید: «نخستین بار داستان هیپاتیا را از ساگان شنیدم. ساگان می گفت هیپاتیا یک دانشمند و فیلسوف بود و توسط سریل (اسقف شرور و تبهکار اسکندریه) دستگیر شد. سریل پیروان جاهل و خرافاتی خود را تحریک کرد تا هیپاتیا را سنگسار کنند ... و ساگان می گفت: "نهایت تراژدی اینجا بود که وقتی مسیحیان کتابخانه ی اسکندریه را به آتش کشیدند، هیچکس جلوی آنان را نگرفت...".» کشیش "رابرت بارون" ادامه می دهد: «.. بله. هیپاتیا واقعا یک فیلسوف بود و واقعا در سال 415 توسط جماعت به قتل رسید. تا اینجای داستان درست است. ولی مابقی چیزهایی که ساگان آنروز می گفت و امروز "آمنبار" (کارگردان فیلم آگورا) می گوید جعلی و تهمت است...» و ادامه می دهد: «.. من نگران هستم این گونه تهمت ها و اتهاماتی که کتاب هایی مانند "خدا بزرگ نیست" (کریستوفر هینجز) و "پندار خدا" (ریچارد داوکینز) می زنند، بر فرهنگ مردم تاثیر بگذارد!»

بنظر می آید این "پدر روحانی" فراموش کرده که 500 سال زمان برد تا کلیسای کاتولیک از "نیکولاس کپرنیک" بخاطر اینکه گفته بود زمین به دور خورشید می چرخد و نه بالعکس؛ طلب مغفرت کند! "... واکنش کلیسا در برابر آراء کوپرنیک خشمگینانه بود. نقل است مارتین لوتر - پایه گذار مذهب پروتستان - به محض آگاه شدن از این نظریه با آن به مخالفت برخاسته و گفته بود: «فقط احمقها نجوم را وارونه می کنند. طبق نص کتاب مقدس، این خورشید بود نه زمین که یوشع فرمان داد بایستد...». به باور لوتر و همفکرانش، نظریه کوپرنیک نه فقط مخالف عبارات کتاب مقدس بود، بلکه جایگاه رفیع آدمی را - که به عنوان برترین آفریدگان باید در مرکز جهان هستی قرار داشته باشد- از او می گرفت." (برگرفته از ویکی پدیا).

حال حساب کنید اگر یک زن تنوری خورشید مرکزی را 11 قرن پیش از کپرنیک بیان کرده باشد، دیگر توسط ابواب کلیسا به او چگونه برخورد می شود.

اما اظهار نظر دوم در مورد فیلم آگورا:

روزنامه ی کیهان 5 شنبه 10 تیر (اشتباه نکرده اید. روزنامه ی کیهان!) این روزنامه با استفاده از این فیلم می خواهد بگوید مسیحیت ضد علم بوده در حالیکه اسلام رویکردی علمی دارد! اما به فاکت کیهان توجه کنید که می گوید «...در زمانی که مسیحیت و پاپ علم را سرکوب می کردند، در همان زمان پیامبر اکرم(ص) مسلمانان را دعوت به علم آموزی می کردند.»!! یک موضوع اینجا عجیب "مبهم" باقی می ماند و آن اینکه زمان فیلم "آگورا" به اواخر قرن 4 میلادی بر می گردد. تاریخ به قتل رسیدن هیپاتیا سال 415 میلادی برآورده شده است. "پیامبر اکرم" روزنامه ی کیهان در سال 570 میلادی متولد شده است. یعنی تقریبا دو قرن پس از این واقعه و هنگام این واقعه موجود نبوده که بخواد ملت را به "علم آموزی" دعوت کند. برای روزنامه ی کیهان همین بس است. ■

(1): "آگورا" به مکانی در فضای باز برای تجمع اطلاق می شد. در شهر - دولتهای یونان باستان (900 تا 700 سال پیش از مسیح) بندگان آزاد صاحب زمین که شهروند بحساب می آمدند در آگورا برای انجام وظایف نظامی یا گوش دادن به بیانیه های فرماندار وقت، تجمع

استان قدس رضوی دستگاه غارت و ظلم و فساد

(بخش دوم)

م.م. (آینده)

استان قدس در تمام مناطق کشور املاک زیادی دارد ولی این امر در برخی نواحی مانند خراسان چشمگیرتر است. از جمله بنا به اذعان خود استان قدس: ... قریب به 90 درصد از املاک و اراضی محدوده شهر مشهد مقدس موقوفه استان قدس رضوی بوده و هست ... 15. سرنوشتی که در انتظار بسیاری از مناطق دیگر از جمله شهر تهران نیز هست. بخش عمده املاک استان قدس به صورت غیرقانونی در اختیار آن قرار گرفته است که از آن جمله می توان به املاک سرخس و زیاران اشاره کرد.

املاک سرخس: از ده ها سال پیش در اثر اقداماتی غیرقانونی، زمین های مردم شهر سرخس به استان قدس واگذار شده و اقدامات مختلف مردم مظلوم سرخس برای احقاق حق خود راه به جایی نبرده است. خلاصه قضیه را وکیل حقوقی مردم معترض سرخس چنین توضیح می دهد: " در سال 1315، رضاشاه [که بزرگترین زمین خوار کشور بود] اقدام به تملک غیرقانونی اراضی منطقه اوین، درکه و شمیرانات - که در شمار موقوفات استان قدس قرار داشتند - کرد و در ازای آن، مالکیت سرخس و پیرامون آن را در سندی به استان قدس واگذار نمود [!!!] ... پس از انقلاب، این سند باطل و بنا بر مصوبه مجلس در سال 1363 و کمیسیون ماده 2، رای به ابطال آن داده شد ... در شعبه 101 مدنی خاص، عین نظر مجلس و کمیسیون ماده 2 تأیید و حکم به ابطال اسناد این مناطق [اوین، درکه و شمیرانات] و واگذاری به نام استان قدس به عنوان موقوفه داده و این حکم در شعبه اول دیوان عالی کشور نیز تأیید شده است. در سال های گذشته، اداره ثبت [اسناد و املاک] شمیرانات تهران، اقدام به ابطال اسناد مناطق اوین، درکه و لواسانات کرد و این زمین ها را به عنوان موقوفی به نام استان قدس سند زد. اما برغم حکم دادگاه، مبنی بر طرف دوم قضیه که سرخس است و باید این املاک از تولیت و مالکیت استان قدس خارج و به نام مردم منطقه سند واگذار شود، مغفول ماند و هیچ کاری درباره آن انجام نگرفت. در نامه ای که در تاریخ 1385/2/25 به مجتمع شهید محلاتی تهران از سوی مردم سرخس داده شده، این نهاد قضایی و حقوقی به اداره ثبت اسناد این شهر [سرخس] دستور داد تا بنا بر حکم صادره، اسناد زمین به نام مردم صادر شود ولی اداره ثبت خراسان و سرخس به این حکم تمکین نکرده، به دلیل آنکه یک طرف پرونده استان قدس است، و همچنان مردم بلامتکلیف مانده و معترضند. با توجه به وجود جنگل های طبیعی پسته و وجود مراتع و منابع طبیعی، این چهار صد هزار هکتار [زمین های] منطقه سرخس، اصلاً نمی تواند از لحاظ حقوقی در مالکیت استان قدس قرار بگیرد." 16

شایان ذکر است که مردم خسته و به ستوه آمده سرخس که در رژیم فاسد جمهوری اسلامی، دادرسی برای احقاق حق خود ندیده اند، در اعتراض به اقدام غیرقانونی اداره ثبت اسناد و املاک و نیز استان قدس رضوی، در جلوی اداره ثبت این شهرستان تجمع نمودند. مردم معترض خواهان اجرای حکم قانونی دادگاه شدند و اظهار داشتند که در صورت اجرا نشدن حکم دادگاه و رسیدگی نکردن به مشکل مردم، به کشور همسایه (ترکمنستان) پناهنده خواهند شد. چراکه دیگر در این منطقه هیچ گونه امنیت و استقلال اقتصادی ندارند. ولی اداره ثبت اسناد شهر از اجرای حکم قضایی خودداری و اعلام نمود: "از آنجایی که یک طرف پرونده استان قدس رضوی است، در آینده حکم به نفع استان قدس رضوی صادر خواهد شد." 16

اعتراض مردم دلسوخته سرخس آنقدر شدید و طولانی شد که حتی روزنامه ای مانند "کیهان" نیز به آن اشاره نمود. این روزنامه طی خبری در دوم شهریور سال جاری [1388] نوشت: "اعتراض جمعی از کشاورزان سرخس نسبت به اراضی تصرفی توسط استان قدس و تمکین اداره ثبت اسناد وارد نهمین روز خود شد. معترضان با نصب چادر و پلاکاردهایی در ورودی شهر سرخس به اعتراض خود ادامه داده وعده ای دیگر نیز با راهپیمایی سکوت در حالی که پلاکاردهایی را در دست داشتند مسیر خیابان امام را طی کردند ... 17

املاک زیاران: روستای زیاران در 85 کیلومتری از حاشیه اتوبان تهران - قزوین واقع شده است. اراضی روستا بالغ بر 18000 هکتار است. سال هاست که کل اراضی زیاران موقوفه استان قدس رضوی اعلام شده و این استان به شکل های گوناگون از اهالی روستا اجاره می گیرد و [درواقع] اخادی می کند. ریشه دعوا به سال 1316 [زمان حکومت دیکتاتوری رضا شاه] برمی گردد که در آن تاریخ اهالی برای تهیه اسناد زمین های خود به اداره ثبت مراجعه و متوجه می شوند که کل 18 هزار هکتار زمین هایشان، از سال 1310 [توسط حکومت] به صورت وقف در اختیار استان قدس رضوی قرار گرفته است. خیلی ساده، زمین های کشاورزی و مسکونی دهقانان را نزدیده بودند و به این دزدی رنگ و لعاب قانونی زده بودند. یک نهاد بزرگ فنودالی - مذهبی در همدستی و مشارکت با حکومت سلطنتی، روستاییان را از مالکیت بر زمین های خود محروم کرد و در واقع زندگی و کار آنان را تحت کنترل گرفت تا راحت تر استثمارشان کند. بعد از سال 1357 که رژیم سلطنتی رفت، مسئله مالکیت زمین در کشور مطرح، و دهقانان فقیر و کم زمین و بی زمین کوشیدند به آرزوی دیرینه خود دست یابند ولی دولت جدید خیلی زود جلوی این کار را با سرکوب و تهدید گرفت. رژیم [وابسته و فاسد] جمهوری اسلامی سیاست در اختیار گذاشتن اراضی معینی به بخشی از روستاییان و دهقانان را در پیش گرفت و نهادی که به "هیات های هفت نفره" شهرت یافت را مأمور اجرای این سیاست کرد. توجیه مذهبی این سیاست که در واقع دهقانان را همچنان از حق مالکیت بر زمین محروم نگاه می داشت و رابطه وابستگی آنان را به نهادهای دولتی حفظ می کرد این بود که: "خدا مالک زمین است." بنابراین تکلیف اراضی موقوفه ای که مهر استان قدس رضوی روی آن خورده بود، پیشاپیش روشن بود. اراضی زیاران حتی در چارچوب سیاست هیات های هفت نفره هم تقسیم نشد. سال 1363 استان قدس تصمیم به فروش بخشی از زمین های اطراف آبیک (که متعلق به اهالی بود) به چند سرمایه دار گرفت که با مقاومت مردم و درگیری، استان قدس و ادار به عقب نشینی شد. در سال 1357 استان قدس با آگاهی از طرح های گسترش شهری و با توجه به دورنمای افزایش قیمت اراضی مسکونی و سودهای کلان بخش ساختمان، یک شرکت ساختمانی تاسیس کردند. این شرکت بر روی اراضی مشخصی دست به انبوه سازی آپارتمان زد که با زهم مقاومت اهالی و درگیری به وجود آمد و این دعوا تا به امروز ادامه دارد. اوایل سال 1384 نیز، ادعای دو خانم مبنی بر خریداری زمین های روستا از استان قدس باعث بروز درگیری جدیدی شد که در همان آغاز منجر به دستگیری 16 نفر از اهالی توسط نیروهای امنیتی شد. از آن جا که ارسال نامه های اعتراضی و شکایت ها به مراجع مختلف راه به جایی نبرد، در اسفند ماه 1384، حدود 2000 نفر از اهالی در مقابل فرمانداری آبیک تحصن کرده و خواهان رسیدگی به پرونده عصب و فروش زمین های روستا از سوی استان قدس، گردیدند که جهت پایان تجمع به آن ها قول رسیدگی داده شد اما در شانزدهم فروردین 1385، 26 نفر دیگر از روستاییان دستگیر و زندانی شدند. در نهایت دادگستری استان قزوین طی حکمی، شکایت روستاییان از استان قدس را وارد ندانست. مهمترین دلیل حقوقی اهالی زیاران یعنی عدم وجود و ارایه هرگونه سند مالکیت و ققی از سوی استان قدس، با این ادعای مسخره استان مزبور که: "کتابخانه استان قدس در دوران حمله مغول به آتش کشیده شده و اسناد وقف ده زیاران

براساس گفته رییس انجمن محلی شهرک غرب و نماینده ساکنین منطقه ، به دنبال رای صادره ، یک میلیون ودویست هزار نفر ساکنین مناطق شهرک غرب ، گیشا و باغ فیض ، همچنان در انتظار حکم مالکیت قطعی خود هستند و روی هم رفته 400 هزار دستگاه خانه و هفت هزار مجتمع مسکونی در زیر سایه وقف آستان قدس رضوی قرار دارند. 22

در مورد وضعیت وقف شهرک غرب ، گیشا و باغ فیض ، آقای دکتر نعمت احمدی وکیل دادگستری مطلبی نوشته که با خواندن آن متوجه می شویم ادعای آستان قدس رضوی و رای صادره توسط دادگاه از درجه اعتبار ساقط می باشد: "...واقف باید مورد وقف را به تصرف موقوف علیه بدهد و اگر قبض صورت نگیرد ، یکی از شروط اصلی وقف یعنی قبض محقق نشده و وقف باطل است . ظاهراً این وقف یعنی اعلام وقفیت اراضی شهرک غرب در دوره ناصرالدین شاه به وقوع پیوسته و می دانیم در آن تاریخ املاک دارای شناسنامه نبودند یعنی در دفاتر رسمی و به استناد وضعیت موجود خود در طبیعت ، حدود اربعه املاک معین و مشخص نشده بود ... لذا در زمانی که بخشی از املاک شهرک غرب به ادعای آستان قدس رضوی وقف گردید ، حد و حدود این اراضی معلوم و مشخص نبود. نخستین سوالی که مطرح می شود نام واقف و اینکه چه مقدار از اراضی خود را وقف کرده است ... این وقف نامه در زمان کدام یک از وزرا ، حتی شفاهی ، تنظیم شده و مالک شهرک غرب چه کسی بوده است ؟ از طرفی برابر ماده 57 قانون مدنی ، واقف باید مالک مالی باشد که وقف می کند . اراضی آباد و احیا شده دارای مالک بودند و بقیه اراضی راموات یا مباحات می گفتند و مالکی نداشتند [مانند اراضی شهرک غرب] ... در وقف شرط است که عین موقوفه توسط واقف به تصرف وقف داده شود... از طرفی صرف تنظیم وقف نامه هم مثبت وقف نمی باشد . این موضوع در رای شماره 3284 مورخ 1319/9/30 دیوان عالی کشور آمده است : " تنها وقف نامه کافی برای اثبات وقفیت رقبه ای که به عنوان مالکیت در تصرف کسی می باشد نیست و لازم است که علاوه بر مالکیت واقف حین الواقف ، عمل به وقفیت نیز طبق وقف نامه محرز گردد... اگر منطقه پرازی سنگلاخ بوده ، پس مالکینی هم ، مالک اولیه که هنوز نام او و مورد وقف اعلام نشده ، به وجود نیامده بود و این شخص نمی توانسته اراضی دولتی (مباحات) را قبل از آنکه حیات و آباد و به مالکیت خود درآورد ، وقف کند ... " 23

عباس واعظ طبسی در مقام تولیت آستان قدس ، در راه زمین خواری هایش ، از هیچ ترفندی از جمله آدم ربایی ، ایا نداشته است . به دستور وی و عزیزان رییس اسبق دادگستری تهران [که به فساد شهره بود] ، برای رفع مشکلاتی که در مورد تقسیم زمین های موقوفی و تبدیل آن به قطعات کوچکتر بایک بازرگان خراسانی به نام " شریفیان " روی داده بود ، تاجر مزبور را ربودند و زمین های موقوفی را به قطعات کوچک تقسیم نموده و به دلالت امور ملکی فروختند . 24. البته آستان قدس مستقیماً نیز به فروش زمین های وقفی تفکیک شده می پردازد و حتی اداره واگذاری اراضی آستان قدس اقدام به راه اندازی سایت اینترنتی جهت فروش زمین نموده که بنا به گفته معاون امور اراضی و املاک آستان مزبور ، اقدام یاد شده " به منظور ایجاد تسهیلات هرچه بیشتر برای عموم متقاضیان " بوده است . 25. [ونه برای کسب درآمد برای آستان قدس] .

نذورات ، درآمد و چگونگی مصرف : هر سال افراد بسیار زیادی برای زیارت به مشهد می روند و تعداد زائرین به طور مداوم روند صعودی و رو به رشدی را طی می کند . به طوری که بنابه آمار موجود تعداد زائرین حرم در سال 1380 برابر 13770000 نفر بوده است . 26. و به استناد نوشته اداره اوقاف و امور خیریه مشهد (در سال 1384) ، تعداد زائرین حرم 20 میلیون نفر در سال برآورد شده است . 27. همان طور که ملاحظه می شود سالانه بیش از 10 درصد یا جمعیتی تقریباً بیش از 1400000 نفر به تعداد زائرین اضافه شده است . با عنایت به ارقام مزبور و روند افزایش تعداد زائرین ، آمار مزبور برای سال جاری (1388) بایستی در حدود 26 میلیون نفر

هم احتمالاً" در آن آتش سوزی از بین رفته است ، " از سوی قاضی رد شده است. در هر صورت زندگی ، کار ، زمین زراعی و حتی سرپناه روستاییان زیاران همچنان مورد تهدید قرار دارد. 18

در ارتباط با وضعیت اراضی روستای زیاران، در نشست خبری سخنگوی قوه قضاییه در تاریخ 1387/11/29، خبرنگاری می پرسد: "گویا بین آستان قدس رضوی و مردم روستای زیاران طالقان از توابع آستان قزوین بر سر زمین ها و محدوده ی آن ها مشکلاتی به وجود آمده است ، آیا در این رابطه اقدامی صورت گرفته است یا نه ؟ " جمشیدی سخنگوی قوه قضاییه در پاسخ می گوید : "... موضوع وقفیت باتوجه به سند رسمی که آستان قدس رضوی داشته است ، مشکلی از این حیث وجود نداشته است . در مرحله بدوی به نفع آستان قدس رای داده شده و در مرحله تجدید نظر هم این رای تایید شده است . این یک دعوی حقوقی بوده است که مشکل خاصی هم نداشته است ." 19 ملاحظه می شود که سخنگوی قوه قضاییه چه پاسخ و قیچانه ای داده است . زیرا وی در صحت و وقفیت اراضی ، به سند رسمی – که بیان شد به ناحق و غیرقانونی صادر شده بود- استناد کرده نه به سند وقف ؛ چرا که – همان طور که اهالی روستا گفته اند – چنین سندی وجود نداشته و ندارد. جالب است آن جا که مردم اسناد رسمی املاک خویش را در دست دارند و آستان قدس مدعی وقف آن املاک ، اسناد رسمی بی اعتبارند اما در مواردی چون زیاران که سند ، غیرقانونی به نام آستان قدس صادر شده ، ملاک قضاوت دستگاه پوسیده و فاسد قضایی رژیم جمهوری اسلامی سند رسمی است. نکته دیگر در پاسخ جمشیدی این که وی موضوع را صرفاً یک دعوی حقوقی و بدون بروز مشکل خاص عنوان می کند و برخورد فیزیکی با مردم و زندانی کردن تعدادی از اهالی و... را کاملاً انکار می کند .

در عین حال ، آستان قدس همچنان با ولع و اشتیهای سیری ناپذیر به زمین خواری خود از طریق طرح دعوی در محاکم قضایی با اسناد بی اعتبار و جعلی و ادله سست و بی اساس ادامه می دهد و در راه به دست آوردن اراضی جدید و ثبت آن به نام خود ، از همکاری کلیه دستگاه های قضایی و اجرایی سود می برد. به طوری که در زمینه ثبت املاک مردم به نام آستان قدس ، مسئولین ادارات ثبت به نوکری آستان قدس و تضییع حقوق مردم افتخار هم می کنند. از جمله اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان در شرح عملکرد خود بندی را بدان امر اختصاص داده و آورده: "... سنت حسنه وقف بابت در دفاتر املاک و صدور سند مالکیت موقوفات عام و خاص ، به جا آورنده نیت واقف و تثبیت آن رسمیت دادن به متولی یا متولیان می باشد که در این زمینه ارتباط مستمر و نزدیکی بین اداره کل اوقاف و امور خیریه و تولیت آستان قدس رضوی [و اداره ثبت اسناد و املاک] در این استان برقرار است 20. یا ، مدیرکل ثبت اسناد و املاک استان تهران ، خوش خدمتی خود را به آستان قدس ، چنین ابراز داشته : " با پی گیری این اداره ، در طول سال گذشته [1385] ، برای بیش از 7 میلیون متر مربع از املاک موقوفات آستان قدس رضوی در شهر تهران ، سند مالکیت صادر و تسلیم نماینده تولیت آستان قدس رضوی شده است . " 21.

تاسف بارتر این که برخی مواقع ، آستان قدس با مراجعه به دادگاه ، حکم وقفیت املاکی را دریافت و امور مربوطه به ثبت رانیز به انجام می رساند اما مردمی که مالک و متصرف املاک مزبور هستند ، تازمانی که جهت انتقال ملک به مراجع ذیربط مراجعه نکرده اند ، کوچکترین اطلاع و آگاهی از این موضوع ندارند. گاهی نیز موضوع به سوژه داغی بدل می گردد و جای پنهان کاری باقی نمی ماند؛ مانند اعلام وقف زمین های شهرک غرب ، گیشا و باغ فیض در تهران.

طبق حکم صادره توسط قاضی استیری در شعبه دادگاه شهید بهشتی در تیرماه سال 1386، زمین های واقع در پلاک ثبتی 74 ، موقوفه (وقف آستان قدس رضوی) اعلام شد . این امر موجی از نگرانی و به دنبال آن پی گیری مردم ساکن محل رابه دنبال داشت .

مقامات آستان قدس در مورد اطعام زائرین مدام در رسانه ها تبلیغات می کنند.

سرجمع هزینه های حرم از جمله اداره میهمان سرا، انتظامات، حفاظت، نگهداری و مراقبت بناها و تاسیسات و... تنها بخش نسبتاً کمی از درآمد نذورات راتشکیل می دهد. پس بقیه این درآمد به کجا می رود؟ تردیدی نیست همان طور که در جامعه سخن از آن است، به حساب های بانکی خاندان واعظ طبسی، خامنه ای، مقامات ارشد رژیم، سپاه پاسداران و... علاوه بر آن تامین بخشی از هزینه عملیات تروریستی رژیم در خارج کشور، خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی و امنیتی و اتمی، کمک های مالی و تسلیحاتی به گروه های فاشیست و آدمکش حماس و حزب الله، کمک به بودجه سپاه قدس و... زیرا منابع مالی و درآمدهای آستان قدس بسیار عظیم و کلان و هزینه هاو مخارج آن بدون نظارت و بی حساب و کتاب است.

با هم گفته های مدیرکل کمیته امداد خراسان را (دراویل دهه 1370) بخوانیم: "به علت فقر شد ید مالی و عدم تامین امکانات اولیه ازدواج، مردم محروم مناطق شمالی خراسان، دختران جوان راتا 10 هزار تومان می فروشند. خریداران این دختران جوان اکثراً" از منطقه گنبد هستند که پس از خرید، دختران را برای کار در مزارع و کارگاه ها به همراه می برند. این مسئله در شهرها و روستاهای بجنورد، درگز و شیروان بسیار اتفاق افتاده...." 34

رانت خواری آستان قدس: آستان قدس از انواع رانت ها استفاده کرده و می کند. برای کوتاه کردن نوشتار، یک نمونه که استفاده از رانت اطلاعاتی در طرح میدان شهدا مشهد است را موردی کنیم: طرح میدان شهدا در مشهد طرح بسیار بزرگ و گسترده ای است که از مدت ها پیش اجرای آن آغاز و همچنان ادامه دارد. در این طرح، 48 پروژه به مرحله اجرا در خواهد آمد که بنا به سخنان مدیر اجرایی طرح در پایان آرمه 1387 و تا آن هنگام، هفت پروژه به بهره برداری رسیده و 20 پروژه در حال اجرا و 21 پروژه هنوز شروع نشده بود. در این پروژه بسیار عظیم؛ طرح های خدماتی، پایانه های اتوبوس رانی، پارکینگ های طبقاتی، ساختمان شهرداری، ساختمان تالار شهر و ساختمان های تجاری و اداری در نظر گرفته شده است. این طرح در مساحتی بالغ بر 253 هزار متر مربع به اجرا در آمده و تا زمان یاد شده بیش از 550 هزار متر مربع بنا احداث شده بود. برای اجرای این طرح 500 میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته شده است. 35

از آن جایی که سردمداران آستان قدس قبل از آگاهی عموم مردم از اجرای چنین طرح عظیمی، از آن اطلاع داشتند، املاک واقع در محدوده طرح را به قیمت های بسیار ارزان از مردم بی اطلاع خریداری کردند که این خود استفاده از رانت اطلاعاتی در جهت منافع شخصی به حساب می آید. 36 و سپس، با فروش و اجاره واحدهای مختلف در قالب پروژه های طرح مزبور، ده ها برابر قیمت خرید املاک سود می برند.

فساد مالی آستان قدس: از جمله موارد فساد اقتصادی آستان قدس، پرونده معروف "المکاسب" است. بر حسب گزارش هیات تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی (دوره هفتم)، بانک ملی ایران در سال 1363 شرکتی را به نام المکاسب در دوی تاسیس کرد. در سال 1375، شرکت المکاسب و چند شرکت سود آور دیگر متعلق به بانک ملی [به طور غیرقانونی] به موسسه ای خصوصی به نام "همیاری کوثر" واگذار شدند. موسسان همیاری کوثر در واقع همان مدیران و اعضای هیات مدیره بانک ملی بودند و واگذاری شرکت ها به موسسه همیاری کوثر، با مبلغی بسیار کمتر از بهای واقعی آنها و با اقساط 5 ساله صورت گرفت. 1 در حدود 50 درصد سهام شرکت المکاسب متعلق به موسسه منطقه ویژه اقتصادی سرخس [به مدیریت ناصر واعظ طبسی که فرزند عباس واعظ طبسی و داماد علی خامنه ای می باشد] بوده که از موسسات زیر مجموعه آستان قدس رضوی می باشد. 37 شرکت المکاسب یکی از مهمترین شبکه های مافیای

باشد. در هر صورت آن قدر زائر به مشهد می رود که به قول رییس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی: "... اقتصاد مشهد، اقتصادی مبتنی بر زائر است...." 28

حال ببینیم نذورات این خیل انبوه زائران چیست، ارزش تقریبی آن ها چه قدر است؟ و به چه مصارفی می رسد؟: " نذر ها یک شکل نبوده و انواع مختلفی را شامل شده و می شوند. از طلا و پول گرفته تا فرش، حبوبات، ماشین، موتورسیکلت، [دام] و هزاران قلم جنس دیگر... طلاها تماماً" به شمش تبدیل شده و بخشی از آن ها در خزانه نگهداری می شوند... نذورات دیگر مانند فرش چنان چه قابل نگهداری باشند، برای حفظ به خزانه و موزه تحویل داده می شوند یا فروخته شده و با پول آن ها وسایل مورد نیاز... تهیه می شود. نذورات زیر نظر مستقیم تولیت [عباس واعظ طبسی] است و هر کجا که مصلحت [!!!] باشد مصرف می شود.... 29

اگر در نذورات بین ارزش کالاهای گرانبها مانند اتومبیل ها، موتورسیکلت ها، فرش ها، طلا و جواهرات و... و اشیایی با ارزش کمتر و وجوه نقد، میانگینی در نظر بگیریم، می توانیم به طور تقریبی به مبلغ کل نذورات در طول یک سال دست پیدا کنیم. اگر آن چه را که هر زائر به عنوان نذری پرداز در معادل فقط 10 هزار تومان در نظر بگیریم، ارزش تقریبی نذورات جمع آوری شده توسط آستان قدس برای سال 1380 در حدود 140 میلیارد تومان، برای سال 1384 در حدود 200 میلیارد تومان و برای سال 1388 در حدود 260 میلیارد تومان می گردد. حال ببینیم از این مبلغ، چه مقدار و در چه جایی هزینه می شود؟ توجه کنیم که هزینه های آب، برق و گاز و... برای امکان مذهبی و به خصوص آستان قدس دارای تعرفه های خاصی است و تقریباً" به حساب نمی آید. ضمن این که از دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، در لایحه بودجه کشور ردیفی جهت کمک به آستان قدس در نظر گرفته شد. 30

علیرغم ادعاهای تبلیغاتی که در مورد اقدامات خیریه آستان قدس صورت می گیرد، مبالغی که صرف این امر می شود در برابر دریافتی های آستان قدس، حتی فقط از یک منبع درآمد آن مانند نذورات، بسیار اندک و حقیر و غیر قابل قیاس است. به گفته مدیرعامل موسسه امداد آستان قدس رضوی، مبالغ هزینه شده برای نیازمندان در سال 1387، بدین شرح بوده است: " 600 میلیون تومان کمک نقدی و غیر نقدی به نیازمندان، 20 میلیون تومان هزینه اهدای مواد سوختی و لوازم التحریر و دارو و درمان که به صورت موردی پرداخت شده و 300 میلیون تومان نیز جهت تهیه لباس و کفش دانش آموزان مناطق محروم مشهد و شهرستان های دیگر. این هزینه ها از محل اعتبارات و نذورات تامین شده بود. در سال 1386 نیز سرپرستی نذورات آستان قدس مبلغ یکصد میلیون تومان به موسسه امداد آستان قدس اختصاص داده بود. 31 ملاحظه می شود که کل مبلغ هزینه شده برای نیازمندان در سال 1387، به یک میلیارد تومان هم نرسیده بود. البته در همین خرید اقلام و ملزومات برای نیازمندان، چه قدرزدی شده باشد، نامعلوم است.

همچنین در مورد هزینه های غذایی (اطعام) زائرین، بنا به شواهد و قراین واز جمله گفته های رییس اداره میهمان سرا آستان قدس مبنی بر این که بیشترین تعداد زائرین اطعام شونده در یک روز، 10 هزار نفر (آن هم فقط در مدت 10 روزی که دهه کرامت نامش نهاده اند) است. 32 و گفته مدیرعامل موسسه کشت و صنعت مزرعه نمونه آستان قدس که کل گوشت مصرفی میهمان سرا را تامین می کند دایر بر این که طی ده ماهه نخست سال جاری [1388] مقدار 430 تن گوشت قرمز [گرانترین قلم از مواد مصرفی در غذا] به میهمان سرا تحویل داده است 33، می توان محاسبه نمود که حدوداً" و به طور تقریبی، هزینه سالانه غذایی یا اطعام، حداکثر بین 8 تا 10 میلیارد تومان می شود. بگذریم که با مبلغ مذکور غذای کلیه کارکنان و مامورین حرم هم تامین می شود ولی به نام زائرین تمام می شود و

مخالف رژیم نیستند بلکه در زمره عزیزان حکومت به شمار می روند ، اسامی متهمین ومسایل پرونده قابل طرح در جامعه نیست . سوم آن که جلسه محاکمه حسب امر!!! متهمان به عقب افتاده است . چهارم این که در این پرونده 14 میلیارد تومان مطرح بوده که بعداً تحلیل رفته و دیگر بحث بر سر 14 میلیارد نیست بلکه بر سر نیمی از آن است . یعنی درمورد اختلاس 100 میلیارد تومانی و غیره هیچ اقدامی صورت نخواهد گرفت .

به هر حال ، پرونده به دستور هاشمی شاهرودی راکد نگهداشته شد و بیماری قاضی بهانه عدم تشکیل جلسه دادگاه عنوان شد . 38 درومین جلسه دادگاه ، ناصر واعظ طیبی در پاسخ به پرسش رییس دادگاه مبنی براین که چرا شرکت المکاسب رادردبی تاسیس کردید؟ گفت : از طرف وزارت اطلاعات و نیز اطلاعات سپاه پاسداران به وی پیشنهاد شد که المکاسب دردی راه اندازی شود . 42 البته استفاده رژیم پلیب جمهوری اسلامی از شرکت های مختلف جهت پوشش فعالیت های اطلاعاتی ، تروریستی ، خرید های تسلیحاتی و... امری بدیهی ، قطعی واثبات شده است . و ناصر واعظ طیبی نیز قطعاً در چنین فعالیت هایی دست داشته است . کما این که در مورد علت دستگیری وی نیز چنین احتمالی مطرح شده بود: ... ناصر [واعظ] طیبی مسئول خرید تسلیحات سپاه بوده ... 10 میلیارد تومان سوء استفاده [وی] از آستان قدس و خریدهای سپاه ... که احتمالاً" به همین جرم نیز دستگیر شده است " . 43 وی در دادگاه از محاکمه خود انتقاد و آنرا محاکمه خامنه ای عنوان کرد : "چون دیگر عدالتی وجود ندارد و همه چیز به جوسازی های سیاسی موجود سپرده شده، پرونده ما هم چنین روندی را طی کرده است. مگر المکاسب مال شخصی من است ؟ و مگر المکاسب را فقط من خریده ام ؟ کسانی که جو سازی می کنند ... اگر بتوانند بنده را محکوم کنند ، خواهند گفت آقای طیبی را بد نام کردیم که نتیجه این امر هم مستقیماً" می رسد به آقا [خامنه ای] ومی گویند جناح وابسته به آقا خودشان دارای نقیصه هستند." 44

بالاخره پس از دو سال و برگراری سه جلسه دادگاه ، حکم متهمان اعلام و متهمان از اتهامات وارده تبرئه شدند. دلیل برائت، "جهل آنان نسبت به موضوع دولتی بودن شرکت المکاسب ومعاملات انجام شده بر روی این شرکت " عنوان شد . 45 ناصر واعظ طیبی بی اعتنا به قوانین جاری در قوه قضاییه ، هنگام قرائت رای در دادگاه حاضر نبود و حکم تبرئه به وکیل وی ابلاغ شد تا خدمت ایشان ارسال دارد. 39 ناصر واعظ طیبی برای زایمان همسرش همراه وی راهی آمریکا شد. تولد فرزند وی در آمریکا عملاً به معنای شهروندی قانونی و حقوقی نوزاد و والدینش در آمریکا بود و راه های پس از سقوط جمهوری اسلامی ... و اقامت دایم در آمریکا راباز کرد . درعین حال متهم نه تنها تبرئه گردید، بلکه شاکی نیز شد! ناصر واعظ طیبی وعده داد که به زودی علیه مطبوعاتی که خبر مربوط به اختلاس یکصد میلیارد تومانی او از بانک ملی کشور رافاش ساخته بودند، به دادگاه شکایت خواهد کرد. این مطبوعات جسارت کرده و نوشته بودند: " یکی از آقازاده ها " ، " ناصر ب ف " و از این اشاره ها! 46

ناصر واعظ طیبی اقدامات خلاف دیگری نیز داشته که از جمله ترانزیت مواد مخدر (5 نوع) از طریق بیرجند و تایباد به تهران ونقاط دیگر بوده است . او به عنوان خرید صابون از کارخانه سانا [شرکت صنعتی بهکف که تولید کننده انواع صابون های آرایشی و بهداشتی ، مایع ظرفشویی وشامپو با نام تجاری "سانا" می باشد . محل شرکت در حوالی جنوب غربی بیرجند و در اوایل جاده بیر جند به خوسف است 47] مواد مخدر ارسالی از افغانستان را در آن جا تحویل گرفته و به کارخانه خوشاب روانه کرده ، در آن جا بسته بندی نموده و به تهران وسایر نقاط ارسال می کند. 24 او همچنین بخشی از گاز سرخس را هم در اختیار داشته و با جمهوری های آسیایی اتحاد [جماهیر] شوروی [سابق] به طور مستقیم معامله انجام می داده است . 39.

تجاری در ایران است که بخش مهمی از تجارت میان ایران ودوبی را کنترل می کند. این شرکت تخلفات بسیار زیادی در امور واردات، صادرات، خروج ارز و اختلاس از بانک ها داشته است. 38 در شرکت المکاسب تعدادی از فرماندهان سپاه و ماموران عالی رتبه امنیتی رژیم جمهوری اسلامی نیز شریک هستند و بخشی از اسلحه های غیر قانونی کشور در اختیار این شرکت است . 39

ناصر واعظ طیبی شرکت المکاسب [سهم آستان قدس] را در دبی نزد بانک ملی [دارنده بقیه سهام شرکت] گرو گذاشت و 30 میلیون درهم وام گرفت . 40 همچنین اختلاسی یکصد میلیارد تومانی [از بانک ملی] در پرونده ناصر واعظ طیبی وجود داشت که به کلی نادیده گرفته شد. 1] و بعداً [نه کمیته تحقیق وتفحص مجلس شورای اسلامی به آن اشاره کرد و نه در دادگاه مطرح شد. بنا به یک روایت ، چند تن از فرماندهان سپاه پاسداران در جهت اجرای بیانیه 8 ماده ای علی خامنه ای مبنی بر مبارزه با فساد اقتصادی و تبعیض [!!!] ، به سراغ ناصر واعظ طیبی رفتند. این فرماندهان در خراسان با او درگیری و پس از مشاجره لفظی و درگیری، از اتاق کارش بیرون رانده شدند. سپس عباس واعظ طیبی نیز به شکایت فرماندهان مزبور اعتنایی نکرد و به آنان که نسبت به فساد مالی و اخلاقی ناصر واعظ طیبی معترض بودند گفت: " در آن دنیا قرار نیست شما به جای ناصر حساب پس بدهید." ماجرای المکاسب از اینجا شروع شد و سرانجام هیات قضایی که ستاد مبارزه با مفساد اقتصادی را تشکیل داده بود، برای ناصر واعظ طیبی حکم بازداشت صادر کرد. حکم مزبور فقط منتهی به احضار نامبرده به تهران شد و البته دوام نیافت ، زیرا قرار بازداشت وی مبلغ 5 میلیارد تومان بود که خانه ای که گفته شد متعلق به علی اکبر ناطق نوری بوده ، وثیقه بازداشت او گردید [و ناصر واعظ طیبی بیش از چند ساعت در تهران معطل نگردید]. درعین حال قاضی صادر کننده حکم بازداشت نیز از کار برکنار و پرونده مزبور را به قاضی دیگری به نام [عباسعلی] زارع دادند. البته برای تنبیه قاضی اول و گماردن قاضی زارع ، رییس قوه قضاییه [هاشمی شاهرودی] و رییس دادگستری تهران [علیزاده] به مشهد احضار و با پرخاش آیت الله واعظ طیبی روبه رو شدند. 39 برکناری قاضی پرونده تنها مورد برکناری ها نبود و بعداً" سید جلال فیاضی مدیر مسول روزنامه قدس (روزنامه ای که متعلق به آستان قدس رضوی است) نیز، به وسیله مصطفی واعظ طیبی ، آقازاده کوچک واعظ طیبی برکنار شد، زیرا عملکرد روزنامه قدس در جریان پرونده المکاسب(در مورد دفاع از ناصر واعظ طیبی) مورد رضایت ایشان نبود. 41

زارع قاضی شعبه 41 دادگاه ویژه جرایم اقتصادی و مسئول رسیدگی به پرونده شرکت المکاسب در مورد روند رسیدگی به پرونده گفت : " پرونده شرکت المکاسب دارای دو بخش است که یک بخش آن مربوط به دعوی بانک ملی علیه اشخاص بوده که بانک ... پس از گرفتن طلب خود که کمتر از 7 میلیارد تومان بود، رضایت خود را به دادگاه اعلام کرد اما بخش شکایت مدعی العموم در جای خود باقی است . حدود 50 درصد سهام شرکت المکاسب متعلق به موسسه آزاد سرخس بوده است که ظاهراً از موسسه زیرمجموعه آستان قدس است که ما کاری با آن موسسه نداریم [!!!] . چرا که این موسسه جزء موسساتی است که ماحق ورود به آن را بدون دریافت مجوز لازم نداریم [!!!] . دادگاه متهمان علنی است ولی حضور افراد در دادگاه به معنای آن نیست که اسامی آنان ومسایلی که در پرونده مطرح می شود تا قبل از قطعی یافتن حکم آنان در مرجع تجدید نظر ، انعکاس یابد ... با درخواست استمهال متهمان پرونده [!!!]، جلسه محاکمه آنان به روز هشتم دی ماه موکول شده و در این پرونده 14 میلیارد تومان مطرح است ... 37" در گفته های قاضی مزبور ، چند نکته مهم به چشم می خورد . نخست ، چون طرف حساب آستان قدس رضوی و آقازاده تولیت آن است ، برای ورود به آن حوزه نیاز به دریافت مجوز می باشد و چون مجوز نداریم پس با آن کاری هم نداریم . دوم، چون متهمان

باعث تخریب شدید و روز افزون مراتع دشت سرخس شده است. به طوری که در دهه اخیر، سه کانون بحران فرسایش بادی به نام های "خانگیران"، "ایمال" و "صمدآباد" به وسعت 60 هزار و 213 هکتار رخ نمود شده است. مهاجرت و به دنبال آن فقر وحاشیه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ، یکی از آثار مخرب بیابان زایی است

52.

معافیت مالیاتی آستان قدس رضوی: بر اساس بند الف ماده 139 قانون مالیات مستقیم: "موقوفات، نذورات، پذیره، کمک ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی آستان قدس رضوی... از پرداخت مالیات معاف است... 53 معافیت مالیاتی آستان قدس و شرکت های وابسته در ابتدا به صورت "فرمان رهبری" بوده است که با دستور رییس هیات دولت به وسیله وزیر امور اقتصاد و دارایی به معاونت درآمدهای مالیاتی ابلاغ می شده است. 54. در ابتدای دهه 80، دولت بر آن شد معافیت مالیاتی برخی بنگاههای اقتصادی را لغو کند، اما این امر شامل آستان قدس رضوی نشد. معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رییس سازمان امور مالیاتی کشور در این مورد گفته بود: "آستان مقدسه امام خمینی و آستان قدس رضوی مشمول لغو معافیت های مالیاتی نمی شوند... اما اخیراً مذاکراتی با مسئولان این بخش انجام داده ایم که اگر به نتیجه برسد، واحدهای اقتصادی وابسته به آستان قدس نیز مالیات پرداخت خواهند کرد." او در پاسخ به سوال خبرنگار: "شما به روند نتیجه مذاکرات خوشبین هستید؟" می گوید: "به هر ترتیب باید این موضوع از طریق گفت و گو و تفاهم کامل [!!!] دنبال شود... 55" البته آستان قدس مالیات خود را پرداخت می کند اما نه به خزانه دولت بلکه آن را به علی خامنه ای تحویل می دهد تا در حساب های بانکی او و فرزندانش انباشته شود. بنا به نوشته برخی منابع: "... بنیادها که بنا به گفته اقتصاد دانان کشور حدود 30 تا 40 درصد از اقتصاد کشور را در اختیار دارند، هیچ گونه مالیاتی به دولت نمی دهند و اساساً هیچ کس در ایران بر آن ها کنترل ندارد. این بنیادها که فقط علی خامنه ای بر آن ها نظارت دارد، ماهانه میلیاردها تومان به حساب های مختلف وی واریز می کنند. گفته می شود که مجموع پرداختی بنیادها به رهبر جمهوری اسلامی در سال بالغ بر سیصد میلیارد تومان است... رییس سازمان امور مالیاتی کشور نیز گفته بود: مالیات بنیادها، امسال [1381] نیز همانند سنوات گذشته به حساب خاصی واریز می شود." 56

حسابرسی موسسات و شرکت های آستان قدس: هر بنگاه اقتصادی نیازمند انجام عملیات حسابرسی (تحت نظارت سازمان حسابرسی کل کشور) می باشد. اما آستان قدس برای آشکار نشدن حساب سازی ها و دزدی های شرکت ها و موسسات تابعه اش، خود اقدام به تاسیس موسسه حسابرسی نموده است. بنا به نوشته سایت آستان قدس؛ موسسه بازرسی، حسابرسی و خدمات مدیریت آستان قدس رضوی از ابتدای سال 1365 تاسیس شد و اهداف خود را بر پایه انجام امور بازرسی قانونی و حسابرسی و ارائه خدمات مدیریت به شرکت ها و موسسات تابعه آستان قدس و... در صورت لزوم [!!!] همکاری با سازمان حسابرسی کل کشور، قرارداد. 57 در واقع هیچ نظارتی بر عملکرد آستان قدس رضوی نیست و گردانندگان آن با فراغ بال به غارت مشغولند.

تولیت آستان قدس: سه روز بعد از پیروزی انقلاب یعنی در 25 بهمن 57، خمینی تبهکار حکم سرپرستی آستان قدس رضوی را به نام عباس واعظ طبسی صادر کرد. دو سال بعد، تولیت آستان قدس، نمایندگی ولی فقیه در خراسان و مدیریت حوزه علمیه خراسان به وی واگذار شد. واعظ طبسی پایه گذار و موسس کمیته انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران در خراسان بوده است، و در سال 1358 به نمایندگی از استان خراسان در مجلس خبرگان قانون اساسی حضور یافت. وی در 4 دوره (سال های 1373، 1367، 1379 و 1385) به عنوان

تضییع حقوق جامعه: درامپراتوری آستان قدس فقط مال اندوزی هر چه بیشتر و بیشتر مطرح است و در این راه سلامتی مردم، منافع ملی، محیط زیست و... هیچ ارزش و جایگاهی ندارد. کارنامه آستان قدس مملو از چنین رفتارهایی است، که به جهت اختصار مطلب به بیان چند مورد بسنده می شود:

1- تخلیه فاضلاب و پسماند کارخانه قند تربت حیدریه در داخل نهر جاری در شهر: پسماند و فاضلاب کارخانه قند تربت حیدریه (وابسته به آستان قدس رضوی) در نهری ریخته می شود که این نهر پس از خروج از محوطه کارخانه، از مناطق مسکونی نسبتاً محروم شهر تربت حیدریه مثل "رضا شهر"، "ضیاء الدین" و "فتح المبین" عبور می کند. ریخته شدن فاضلاب و پسماند کارخانه قند در داخل نهر مزبور باعث به وجود آمدن بوی تعفن شدید و خطرات و مشکلات زیست محیطی و ابتلا به بیماری های تنفسی و پوستی در مناطق مجاور نهر شده است. اهالی مناطق مزبور معتقدند یا باید شاهد بیماری های عفونی و تنفسی خود و فرزندانشان باشند یا خانه و کاشانه خود را ترک کنند. مسئولان کارخانه نیز ریختن پسماند و فاضلاب کارخانه به درون نهر را تایید کرده اند. 48

2- ساخت کارخانه سیمان سمنگان برغم مخالفت سازمان حفاظت محیط زیست: در سال 1382 وزارت صنایع و معادن اعلام کرد که پروژه سیمان در شهرستان مانه و سملقان در 50 کیلومتری غرب شهرستان بجنورد و در زمینی به مساحت 100 هکتار آغاز شد. 49. ساخت کارخانه در زمین های معرفی شده توسط آستان قدس با مخالفت سازمان حفاظت محیط زیست رو به رو شد. با این حال، کار ساخت کارخانه پی گیری شد. معاون ارزیابی سازمان حفاظت محیط زیست در این مورد گفته: "در تاریخ 1388/4/2 موضوع احداث کارخانه سیمان سمنگان در کمیته ارزیابی زیست محیطی مطرح شد... به علت این که زمین های مرغوب کشاورزی به عنوان مکان مورد نظر معرفی شده بود، با احداث واحد مذکور مخالفت شد... علیرغم مخالفت های سازمان حفاظت محیط زیست، این پروژه 30 درصد پیشرفت فیزیکی داشته است." 50

3- برداشت غیرمجاز و غیر اصولی شن و ماسه از بیستر بند گلستان: بند [سد] قدیمی گلستان در مجاورت شهر مشهد قرار دارد. در ابتدای تیرماه سال جاری (1388)، متولیان مربوطه در آستان قدس رضوی آب بند را یکباره تخلیه و آن را در کانال های شهر مشهد جاری کردند. و ادعا کردند که قصد بازسازی و مقاوم سازی این بند تاریخی را دارند. اما، بنا به مشاهدات گزارشگر یک روزنامه (خراسان) در چند ماه بعد و گفته های شاهدان و ساکنان منطقه، آستان قدس هیچ اقدامی برای بازسازی بند مزبور انجام نداد، بلکه با سرعت و شدت اقدام به برداشت شن و ماسه و خاک بیستر سد مزبور و سپس فروش آن نمود. 51 و در حقیقت تعمیر و بازسازی سد بهانه ای بیش نبوده که آستان قدس بتواند اقدام به برداشت شن و ماسه و خاک بیستر و فروش آن بنماید. آن هم بدون توجه به وضعیت خطرناک و نامناسب سد مزبور که باران های سیل آسا ممکن است خطرات جدی و غیرقابل جبرانی برای سد و در نتیجه، ساکنان منطقه داشته باشد.

4- عدم همکاری آستان قدس در حفاظت از منابع طبیعی و تخریب شدید مراتع دشت سرخس: بنا به گفته رییس اداره تثبیت شن و بیابان زدایی منابع طبیعی خراسان رضوی، عدم همکاری و هماهنگی آستان قدس رضوی با مدیریت جهاد کشاورزی از جمله مهمترین عواملی است که

- 20- سایت اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان: "نگاهی گذرا به تعامل و همکاری متقابل ثبت اسناد و املاک استان گلستان با دستگاههای اجرایی." www.golestansabt.ir
- 21- سایت اداره کل ثبت اسناد و املاک تهران - آرشیو اخبار اداره کل در سال 1386 www.sabttehran.ir 1386/3/19
- 22- سایت جهان نیوز - بخش جامعه: "زمین های شهرک غرب وقف است ؟" www.jahannews.com 1388/4/21
- 23- احمدی، نعمت: "آیا اراضی شهرک غرب، گیشا و باغ فیض وقفی است ؟" اعتماد ملی، شماره 515 (1386/8/30).
- 24- روزنامه انقلاب اسلامی [در هجرت]: "قوه عدالت یا قوه جنایت ؟ -4" - شماره 657 www.enghelabe-eslami.com/archive/maghalat/edalat-4-657
- 25- روزنامه آسیا: "با یک کلیک در مشهد زمین بخريد" - www.asianews.com 1384/1/28
- 26- سایت هندلاری (سایت هندلاری شرکت فنی مهندسی آس): "نگاهی به وضعیت شهر مشهد (3)" www.hotl.ir
- 27- روزنامه ایران: "فعالیت های حسینی های مشهد کاملاً" قانونی است (جوابیه اداره اوقاف و امور خیریه ناحیه یک مشهد به روزنامه ایران) - صفحه ایران زمین - 1384/9/8
- 28- سایت آستان قدس رضوی - اقتصادی - اخبار: "اقتصاد مشهد مبتنی بر زائران است" - www.1387/12/18
- 29- روزنامه قدس - صفحه فرهنگی: "گزارش قدس از عواید نذورات آستان قدس رضوی، از اداره حاجبی تا دفاتر نذورات" - www.1388/10/9
- 30- پایگاه اطلاع رسانی آیت اله هاشمی رفسنجانی: "همه باید به رهبری در تحقق فضای همدلی کمک کنیم تارضایت مردم فراهم شود" - www.hashemirafsanjani.ir 1388/9/12
- 31- سایت آستان قدس - اقتصادی - اخبار: "بیش از 6 میلیارد ریال کمک نقدی و غیرنقدی به نیازمندان" - www.1388/1/27
- 32- روزنامه قدس: "اخبار ویژه دهه کرامت" - www.1388/7/25
- 33- سایت آستان قدس رضوی - اقتصادی - اخبار: "تامین 430 تن گوشت قرمز مهمان سرای حرم مطهر رضوی" - www.1388/11/7
- 34- مجله پیام زن - گزیده مطبوعات: "فروش دختران جوان" شماره یک (فروردین 1371).
- 35- سایت مشهد (1404.blogfa.com) www.1404.blogfa.com
- (www.mashad به نقل از: مجیدیان، رضا: "48 پروژه در طرح میدان شهدا مشهد به مرحله اجرا درمی آید" - خبرگزاری مهر - www.1387/9/26
- 36- سایت موذن حرم مطهر امام رضا www.holyshrine.blogfa.com/post-11
- 37- روزنامه ایران: "روند رسیدگی به پرونده 14 میلیارد تومانی شرکت المکاسب تشریح شد" - شماره 2331 (1381/9/25)
- 38- سایت میهن - میهن شماره 59: "ردپای 20 قاضی در پرونده المکاسب" - www.mihan.net/59/mihan-59-63-01 1381
- 39- سایت پیک نت: "آغازده طیبی تبرئه شد، آقا جری در حبس" www.peiknet.com/page0/12es/p308tabasi
- نماینده خراسان به عضویت مجلس خبرگان رهبری درآمده است. اودرسال 1375 با حکم خامنه ای به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام درآمده و همچنان عضو این مجمع می باشد. 58
- همانند اغلب سران جنبانکار و غارتگر رژیم فاسد جمهوری اسلامی، عباس واعظ طیبی تا انقلاب 57 زندگی نسبتاً مختصر و حداکثر معمولی و متوسطی داشت. خانه ای 250 متری در انتهای یک کوچه فرعی و بن بست در مرحله عشرت آباد مشهد داشت. بعد از انقلاب و قدرت گرفتن او، ابتدا ملک برخی همسایگان مجاور به مساحت حدود 600 متر مربع را خریداری نمود. سپس تا سال 1377 بخش دیگری از منازل مجاور راتا کوچه اصلی به مساحت حدود 2000 متر مربع خریداری کرد تا اپارتمان، استراحتگاه محافظان، کتابخانه و تالاری جهت برگزاری مجالس ماهانه در آن ساخته شود. در سال 1387 جهت گسترش فضای موجود تا نیش خیابان اصلی، چند خانه دیگر جمعاً به مساحت تقریبی 1600 متر مربع خریداری و به فضای قبلی اضافه گردید. در سال 1388 پمپ بنزین موجود در منطقه به مساحت حدود 2200 متر مربع نیز خریداری و جهت احداث پارکینگ به محدوده منزل شخصی واعظ طیبی اضافه شد. 59
- عباس واعظ طیبی از جمله روحانیون فاسدی است که عباس پالیزداریبیر هیات تحقیق و تفحص از قوه قضاییه در سخنرانی خود درباره نقش روحانیون در فساد اقتصادی، از او نام برده و افشا نموده که [از جمله] معدن ذغال سنگ طیس و دوازده تاز معدن استان خراسان متعلق به او می باشد. 60 علاوه بر این، او در طول سال های حکومت جمهوری اسلامی، محافل قدرت و قدرتمندان را نیز از محل درآمدهای افسانه ای آستان قدس بهره مند ساخته و با دولت ها و جریان های حاکم روابط مناسبی داشته است. از جمله اکبر هاشمی رفسنجانی که خود و خاندانش همچون خاندان واعظ طیبی از غارت منابع کشور به ثروت های افسانه ای رسیده اند، واعظ طیبی راناسب ترین فردی دانسته که تولید آستان قدس رضوی بر عهده اوست. 30
- این اظهار نظر بی مناسبت نیست و منحصر به شخص هاشمی رفسنجانی نیز نمی باشد. از این روست که عباس واعظ طیبی - چون سایر همپالگی هایش - از جنبش قهرمانانه مردم دلاور کشورمان که می رود تا رژیم فاسد جمهوری اسلامی را سرنگون کند، به هراس آمده و اغلب پس از هر خیزشی، واکنشی شدید بر علیه مردم نشان داده است. از جمله، پس از اعتراض های مردمی در روز عاشورا، آنانی که اعتراضات راهدایت می کنند "محارب" خوانده و حکم آنان را در دستگاهها قضایی رژیم مشخص [اعدام] دانسته است. 61 غافل از آن که خلق ستمدیده به جان آمده، خود را ه می پویند و می یابند و به زودی توفان سهمگین خشمشان بسا ط ستم و غارت و فساد رژیم و همه عوامل فاسد آن (از جمله او را) در هم خواهد پیچید.

منابع:

- 15- روزنامه دنیای اقتصاد: "توضیح آستان قدس رضوی درباره زمین های شهرک غرب" - www.1388/6/7
- 16- سایت www.shia-online.ir/article "تجمعی برای اعتراض به آستان قدس رضوی" - www.1388/5/27
- 17- روزنامه کیهان: "اعتراض کشاورزان سرخس به اداره ثبت اسناد وارد نهمین روز خود شد" - شماره 19444 (1388/6/2)
- 18- سایت مهر ایرانی: "ماجرای آستان قدس رضوی و روستای زیاران" www.mehrirani.googlepages.com/zevaran
- 19- وبلاگ جمشیدی: "متن کامل نشست خبری سخنگوی قوه قضاییه در تاریخ 1387/11/29" www.a-jamshidi.ir

57 - پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس رضوی - موسسه حسابرسی آستان قدس رضوی: گزارش عملکرد موسسه حسابرسی آستان قدس رضوی " - 1388/1/28 www.agrazavi.org

58 - سایت شهربند www.shahrband.blogfa.com/post-1238

59 - پایگاه نقلین: بازخوانی یک واقعیت تلخ در مشهد " www.alm.ir/home/article 59

60 - سایت رانوسا: متن سخنرانی عباس پالیزدار درباره نقش روحانیان درمفاسد اقتصادی " www.ranusa.parsiblog.com

61 - سایت رادیو فردا - بخش ایران - سیاسی: " واعظ طبسی: سران این فتنه محاربند، حکمش هم مشخص است " - www.radiofarda.com 1388 /11/21

از جهان مذهب بخوانید

در اواخر ماه میلادی گذشته، پلیس مخفی در بسیاری از کشورهای اروپایی دست به یک عملیات گسترده بر علیه پدوفیلی (آزار و تجاوز جنسی به کودکان) توسط مسئولان کلیسا زد. در عجیب ترین مورد این تفتیش ها در بلژیک، پلیس ضمن بررسی کلیه مدارک و بازجویی و ... اقدام به سوراخ کردن قبر تعدادی از کاردینال های سابق بلژیک که در دنیای کاتولیک بسیار نامی هستند نمود و بدنهای یافتن سرنخ آنها را بازرسی کرد. این مورد با واکنش شدید پاپ در واتیکان رویرو شد. قاضی پرونده قربانیان تجاوز جنسی توسط کشیشان و مسئولین کلیسا، بطور رسمی اعلام کرد که برای بدست آوردن مدارک و شواهد از سوراخ کردن سایر مقبره های مقدس کاتولیک ها ابایی نداریم! این موضوع ما را متوجه این نکته مهم می کند که:

- تفاوت چندانی میان کلیسای کاتولیک و پروتستان، مساجد مسلمانها، کنیسه های یهودیان و سایر مراکز مذهبی در اقدام به پدوفیلی و سایر انواع تجاوز جنسی نیست!

40 - سایت دکتر علیرضا نوری زاده - یک هفته با خبر: " احوال شیخ و قاضی و شرب الیهودشان " ... www.nourizadeh.com/archives/000057

41 - سایت موزن حرم مطهر امام رضا: " سید جلال فیاضی مدیر مسئول روزنامه قدس توسط یکی از آقا زاده های واعظ طبسی برکنار شد " www.holyshrine.blogfa.com/8803

42 - سایت میهن - میهن شماره 60: " ناصر واعظ طبسی: وزارت اطلاعات می خواست که مرکز المکاسب دردی باشد " - اسفند 1381 www.mihan.net/60/mihan-60-21-01

43 - حائری، مهدی: " ولی فقیه رهبری باندهای فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی را به عهده دارد " - سایت روزنه - www.rowzane.com/maghalat-2002/1/14 gif/2201/220118mehdu-haeri

44 - سایت راه توده - راه توده (دوره دوم): " ناصر واعظ طبسی: محاکمه من محاکمه رهبر است! " - آذر و دی ماه 1381 www.rahetude.com/rahetude/maghaleh/mafia

45 - سایت میهن - میهن شماره 60: " به دستور خامنه ای ناصر واعظ طبسی و سایر متهمان المکاسب تبرئه شدند " - اسفند 1381 www.mihan.net/60/mihan-60-35-01

46 - سایت پیک نت: " سرانجام فرمان بی اعتبار رهبر (آقازاده) واعظ طبسی تبرئه شد و مدعی! - هیچ کس نرسید: این ثروت را از کجا آورده "؟ www.peiknet.com/page0/12es/p382 vaez

47 - سایت شهر بیرجند: " شرکت صنعتی بهکف " www.birjandcity.com/Negin/html/fasl 14-6

48 - روزنامه خراسان: " روند کند سامان دهی کال ها و مسایل های تربیت حیدریه " - شماره (1388/10/9)17450

49 - سایت وزارت صنایع و معادن - آرشو اخبار: " آغاز ساخت بزرگترین کارخانه سیمان کشور در خراسان " - www.min.gov.ir 1382/11/25

50 - خبرگزاری فارس - گروه اجتماعی - حوزه شهری ورفاهی: " پیشرفت 30 درصدی کارخانه سیمان سمنگان به رغم مخالفت سازمان محیط زیست " - www.farsnews.com/newstext 1388/9/17

51 - صادقی، سمیه: " هیچ اثری از عملی شدن وعده آستان قدس در مورد بند گلستان مشاهده نمی شود، آستان قدس ادعای متفاوتی دارد " - خراسان، شماره (1388/7/9)17378

52 - روزنامه آفرینش: " بحران فرسایش بادی در 6 میلیون و 10 هزار هکتار بیابان های خراسان رضوی " - شماره (1387/4/1)3069

53 - سایت وزارت امور اقتصادی و دارایی. قوانین و مقررات: قانون مالیات مستقیم www.mefa.gov.ir/laws

54 - سایت اداره کل امور مالیاتی استان گیلان - قوانین و مقررات - فرامین رهبری: فرمان رهبری به شماره 2489 (معافیت آستان قدس رضوی و شرکت های وابسته) www.gilantax.ir

55 - روزنامه ایران: " پی گیری یک سوژه: نهادها، امسال هم از پرداخت مالیات معاف شدند (گفتگو با عیسی شهسوار خجسته معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رییس سازمان امور مالیاتی کشور) " - شماره (1382/5/22)2549

56 - سایت میهن - میهن شماره 58: " مالیات بنیاد ها به جیب رهبر می رود " - دی 1381 www.mihan.net/58

درس های اجلاس G20 در کانادا و مبارزات مردم



نشست سران 8 قدرت برتر اقتصادی دنیا به همراه 12 کشور که در رتبه های بعدی اقتصادی قرار دارند در تورونتو کانادا به پایان رسید. این اجلاس از نظر برگزاری و ادراه آن تا مباحث کلان مطرح شده در نشستهایش در برهه تاریخی خاصی انجام شد. در برهه ای که جهان در بحران اقتصادی سرمایه داری دست و پا می زند و تنشهای حادی میان قدرتهای برتر سرمایه داری در جریان است. به دلایل مختلفی تصمیم گرفتیم بخشهایی

از این رویداد مهم را انتخاب کرده و در اختیار جوانان و علاقمندان قرار دهیم. از مهمترین دلایل اینکار نرسیدن اخبار صحیح و واقعی از این رویداد و مبارزات مردم به دلیل سانسور حاکم چه از سوی مدیای غرب و یکسویه بودن گزارشاتشان بدون اینکه به دلایل این اعتراضات و موضوعات آن بپردازند و تنها توجه به تعداد درگیری ها آن هم به شکل محدود ما را بر آن داشت که به جنبه های دیگری از این مبارزات بپردازیم. چه بی توجهی به این مبارزه جهانی در واقع ما را از درس های غنی و پربار یک مبارزه بزرگ محروم می کند. دلیل مهم دیگر کم توجهی نیروهای سیاسی فعال ایرانی به این رویداد بین المللی سرنوشت ساز است. این مورد جای بحث و بررسی زیادی دارد که هنوز این نگاه معطوف به ایران، گره خورده به حوادثی که در درون مرزهای جغرافیایی ایران رخ می دهند فقط توجه می کنند. کمالاتی که حتی شیوه سرکوبهای خیابانی، باتوم و اسپری مورد استفاده سرکوبگران، سخنرانی های سران سرمایه در ایران و ... از ایشخور جهانی سرمایه داری تأمین می شود. بنابراین این وظیفه نیروهای مترقی و چپ است که این نقص را برطرف کنند.

ما در ارائه این مطلب نهایت تلاش خود را می کنیم که از تکرار موارد موجود در رسانه های مختلف پرهیز کنیم و نکات تازه تری را ارائه دهیم. عمده نکات این مطلب از مصاحبه با فعالی از دانشگاه تورونتو است که ضمن عضویت در گروه "الترناتیو مدیا رپورتینگ" از سازماندهندگان بخشی از مبارزات هم بود و گزارش های مکتوب و صوتی که رفیق مبارز و کمونیست دیگری برایمان ارسال کرده بود. در تدقیق آمارها و برخی اسامی و تکمیل شعارها از سایت "Democracy now" نیز کمک گرفتیم.

بیش از یک میلیارد دلار برای 72 ساعت حضور رهبران جی 8 و جی 20 در تورنتو!

رهبران 20 کشور ثروتمند جهان در این هفته مهمانان شهر تورنتو بودند. برنامه ای که تدارک آن را دولت محافظه کار هارپر از سال 2009 شروع کرده و بیش از 1 میلیارد دلار برای "امنیت" این کنفرانس سه روزه هزینه کرد: 930 میلیون دلار برای محافظت و امنیت مهمانان، 78 میلیون دلار برای میزبانی و پذیرائی و ساخت یک دریاچه مصنوعی برای سران جی 8 در شهرک تفریحی هانتزویل در شمال تورنتو، 101 میلیون دلار برای شرکتها و دفاتر مختلف که برای برنامه ریزی و تدارک این نشست کار می کردند و حضور بیش از 20 هزار پلیس آموزش دیده ضد شورش از سراسر کانادا با تجهیزات کامل که حدود 7000 نفر از آنها پلیس ویژه و مامورین سازمان جاسوسی (CSIS) و پلیس سواره کانادا (سوار بر اسب و یا دوچرخه)

مجهز به گاز اشک آور، اسپری فلفل و تفنگ های مخصوص شلیک گلوله های پلاستیکی، بودند.

این اجلاس با آموزش و تدارک نیروی ویژه پلیس و نیروهای ضربت برای حفاظت از محل اجلاس برنامه ریزی شده بود. دولت و ارتش و پلیس تدارک امنیتی وسیع و بی سابقه ای را در تورونتو به اجرا گذاشته بودند. آنها از دو هفته پیش از شروع اجلاس عملیات وحشت را آغاز کرده و شهر تورونتو را بطور عجیبی میلیتاریزه کرده بودند. برای اولین بار بود که مردم مقیم تورونتو می دیدند که مرکز شهر (DOWNTOWN) خلوت و ساکت است. بسیاری از مردم و تقریباً بخش عمده مردم کارکن از 1 هفته

قبل سرکار نمی رفتند. رعب و وحشت عجیبی بر شهر حاکم بود. در 3-4 روز آخر، ادارات نیز تعطیل بود و سازمانها و حتی مدارس داون تاون نیز تعطیل شده بود. ساکنین شمال شهر تورونتو نیز نمی توانستند فرزندانشان را به مدارس شهر بفرستند چون تمام وسایل نقلیه عمومی به داون تاون از حرکت بازایستاده بودند. شهروندان ساکن نقاط مرکزی شهر نیز کارت های ویژه تردد داشتند و بدون آن کارتها امکان تردد وجود نداشت. داون تاونی که حتی تا نیمه های شب و در برخی نقاط تا صبح زنده بود و مردم در بارها و کافه ها و ... مشغول بودند، مرعوب دستگاه نظامی شده بود و سکوت وحشتناکی بر شهر حاکم بود. مردم می ترسیدند به داون تاون بروند و ایجاد صداهای وحشتناک در روزهای آخر بر شدت این وحشت افزوده بود.

در این اوضاع خیر جنجال برانگیزی از سوی رسانه های مختلف پخش شد مبنی بر اینکه در روزهای آخر مانده به اجلاس و در یک نشست اضطراری، دولت تورونتو قانونی را تصویب کرده و به سرعت وارد فاز اجرایی آن شده است. قانونی که در تاریخ تورونتو سابقه تصویب چنین چیزی وجود نداشت. به موجب این قانون که شبانه تصویب و در روز به اجرا درآمد، نیروهای امنیتی مختلف می توانستند بدون هیچ دلیلی مردم نزدیک به محل اجلاس را تفتیش کنند! این یک رسوایی سیاسی بزرگ بود که مرتباً بحث می شد و در رسانه ها مورد کنکاش قرار می گرفت.

با وجود مخارج 1 میلیارد دلاری که در تاریخ کانادا و در تاریخ نشست این سران در دنیا بی سابقه بوده و با تبلیغات و رعب و وحشتی که در سراسر شهر بوجود آورده بودند و همچنین با وجود تدابیر امنیتی و جو بسیار شدید پلیسی در سطح شهر، نتوانستند مانع از حضور گسترده و وسیع مردم در تظاهرات و اعتراضات شوند. جو وحشت و شدت سرکوبها به حدی بود که بسیاری از مردم از کبک سیتی دهه 70 حرف می زدند که آن سرکوب هم در تاریخ کانادا بی سابقه بود. همچنین از دوران جنگ عراق تا حالا در تورونتو تظاهراتی به این بزرگی و وسعت نشده بود. مردم به شدت رادیکالیزه شده بودند و همچنین بسیاری از آنها هم برای اولین بار در تظاهرات حاضر بودند.

در تظاهراتهای مختلفی که در روزهای گوناگون برگزار شده بود گروههایی از ملیتها و گرایشات سیاسی - فکری مختلف حاضر بودند؛ پرچم های کشورهای زیادی بر دستان مردم معترض حمل می شد. بر روی تنه درختان زیادی در مسیر تظاهرات شعارهایی مثل "آنها ثروتمندند چون ما فقیر هستیم" نصب شده بود. شعارهای زیادی هم سر داده می شد یا بر بروی پلاکاردها دیده می شد در محکومیت اقتضاح ب پی BP در خلیج مکزیک. حزب کمونیست کانادا، حزب کمونیست انقلابی کانادا (آر.سی.پی - مونترال) جریانات آنارشیستی و بلوک سیاه از تورنتو و کبک سیتی و مونترال، اتحادیه های کارگری، نهادها و تشکلات ضد فقر و بی عدالتی در تورنتو، سازمانهای دفاع از محیط زیست، زنان طرفدار قانونی بودن سقط جنین، جریانات دفاع

از حقوق همجنسگرایان، تشکل بسیار بزرگ دفاع از حقوق مهاجران، جریانات ضد جنگ در افغانستان و عراق، بومیان کانادا، گروه‌هایی مثل **فایت بک Fight Back** که جریانی تروتسکیست بودند نیز با همراهی تعدادی جوان ایرانی در تظاهراتها حاضر بودند. فعالین کمونیست و چپ ایرانی نیز از احزاب و سازمانهای مختلف و افراد مستقل در یک بلوک حاضر بودند. تقریباً تمام جریانات سیاسی موجود در تورونتو، مونترآل و ... حاضر بودند: از حزب کمونیست ایران م ل م تا ح ک ک تا تشکل زنان 8 مارس و ... و مستقل‌ها. شعارهایی نیز که ایرانیها با خود داشتند یا سر می‌دادند عمدتاً در همبستگی با مبارزات جهانی ضد سرمایه داری بود مانند "مرگ پر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم" - "کارگران جهان متحد شوید" - "پلیس برو گمشو" و همراهی با شعارهایی مثل "شهر و خیابانهای ما را پس بدهید" و ... تعداد دیگری از جوانان ایرانی حاضر در تظاهرات جی 20، دو گروه جبهه متحد دانشجویی کانادا و سکولار سبز بطور نسبتاً متشکل و با پلاکاردهای مشخصی در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران شرکت کرده بودند. گروه‌های موسیقی مترقی نیز با عناوین مختلف و همه و همه یک تظاهرات انترناسیونالیستی و عظیم در مخالفت با حضور سران 20 کشور صنعتی جهان در تورنتو و مخارج هنگفت آن همصدا شده بودند.

روز شنبه همچنین اوج درگیری میان مردم و نیروهای امنیتی بود. در اینروز سندیگاهای بزرگ کارگری نیز فراخوان داده بودند و جمعیت عظیمی بیش از 40000 نفر در خیابانها بودند. نیروهای بلاک بلوک **black bloc** با سیاه جامگان نیز با تدارکات بسیار خوبی حاضر بودند. صورت‌هایشان پوشیده و سرتاپا پوشش سیاه داشتند و در کوله پشتی‌هایشان همه چیز برای تعرض و حمله به نیروهای امنیتی یافت می‌شد. بخش دیگری از جمعیت حاضر را مائونیست‌هایی تشکیل می‌دادند که از مونترآل آمده بودند و می‌شد 60 - 70 نفر که صورت‌هایشان را با پارچه سرخ پوشانده بودند را تشخیص داد. این گروه شعارهای جالبی را حمل می‌کردند مانند "تنها راه رهایی، انقلاب" - "کاپیتالیسم مرگت فرا رسیده" - "امپریالیسم برو گمشو"، "جابجائی جنایتکاران به 1 میلیارد دلار احتیاج دارد" و با مسخره و اشاره به پلیس می‌گفتند "این است دموکراسی"! گروه‌های آنارشویست، ضد جنگ، طرفدار محیط زیست، بومیان سرخ پوست، مهاجرین و ... نیز در این تظاهرات بزرگ حاضر بودند.

همراهی با سندیگاهها در تظاهرات های رادیکال در کشورهای پیشرفته همیشه این مشکل را دارد که باید منتظر پشت کردن رهبران سندیگاهها و بالطبع بخش بزرگی از سندیگالیستها از مبارزه باشیم. چنین هم شد. اتحادیه های



از حقوق همجنسگرایان، تشکل بسیار بزرگ دفاع از حقوق مهاجران، جریانات ضد جنگ در افغانستان و عراق، بومیان کانادا، گروه‌هایی مثل **فایت بک Fight Back** که جریانی تروتسکیست بودند نیز با همراهی تعدادی جوان ایرانی در تظاهراتها حاضر بودند. فعالین کمونیست و چپ ایرانی نیز از احزاب و سازمانهای مختلف و افراد مستقل در یک بلوک حاضر بودند. تقریباً تمام جریانات سیاسی موجود در تورونتو، مونترآل و ... حاضر بودند: از حزب کمونیست ایران م ل م تا ح ک ک تا تشکل زنان 8 مارس و ... و مستقل‌ها. شعارهایی نیز که ایرانیها با خود داشتند یا سر می‌دادند عمدتاً در همبستگی با مبارزات جهانی ضد سرمایه داری بود مانند "مرگ پر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم" - "کارگران جهان متحد شوید" - "پلیس برو گمشو" و همراهی با شعارهایی مثل "شهر و خیابانهای ما را پس بدهید" و ... تعداد دیگری از جوانان ایرانی حاضر در تظاهرات جی 20، دو گروه جبهه متحد دانشجویی کانادا و سکولار سبز بطور نسبتاً متشکل و با پلاکاردهای مشخصی در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران شرکت کرده بودند. گروه‌های موسیقی مترقی نیز با عناوین مختلف و همه و همه یک تظاهرات انترناسیونالیستی و عظیم در مخالفت با حضور سران 20 کشور صنعتی جهان در تورنتو و مخارج هنگفت آن همصدا شده بودند.

از اول هفته نشست سران، تظاهرات های مسالمت آمیز و کوچکی توسط سازمانها و برخی نیروهای بومی کانادائی انجام شد که بدون درگیری بود ولی در روز جمعه تظاهراتی در پارک معروفی به اسم آلن گاردن برگزار شد که محل تجمع فقرا، بی خانمانها و معتادهای شهر است. هدف از گردهمایی در چنین محلی مقایسه وضعیت زندگی مردم فقیر ساکن پارک با مخارجی بود که دولت برای این نشست هزینه کرده بود. در این تظاهرات حدود 5000 نفر شرکت کرده بودند و فعالین چپ و نیروهای دمکرات و آزادیخواه ایرانی نیز در آن شرکت داشتند. با

بین دموکراسی و فاشیسم نیست. وقتی که اعتراضات کمی شدت پیدا می کند برخوردی که اینها هم می کنند مثل کشورهای جهان سوم است. خشونت! در درون دولت یک بحث بوده است که یک کابینه یک هفته ای درست کردند به اسم قانون لگدمال کردن صلح. اینکه اگر کسی از مناطق که اینها تعیین کردند فراتر برود باید دستگیر شود.

در بعد از ظهر شنبه و روز یکشنبه اوج برخوردهای فاشیستی نیروهای امنیتی بر علیه مردم بود. آنها تمام دوچرخه سواران را متوقف و دستگیر کردند و دلیلشان این بود که اینها بدین وسیله به سازماندهی نیروهای مخرب یاری می رسانند. البته این برخورد با دوچرخه سواران بخاطر تظاهرات دوچرخه سوارها بود که 5000 تایی در خیابانها حاضر می شدند و پلیس به شدت آنها را سرکوب می کرد. از دیگر موارد برخوردهای فاشیستی این دو روز این بود که آنها بدنبال مردم به درون توالتهای عمومی می رفتند و به بهانه های مختلف امنیتی و کنترل آنها مستقیماً به مردم در توالتها نگاه می کردند که بخصوص بر روی زنها زوم کرده بودند. اقدامات فاشیستی دیگری نیز انجام شد که به دلیل کمبود فضا فقط نمونه دیگری را ذکر می کنیم. نیروهای امنیتی به بهانه دستگیری نیروهای آنارشیست و بلاک بلوک وارد خوابگاههای دانشجویی تورونتو شدند و دنبال لباس مشکی، اسلحه سرد و ... بودند تا آنها را دستگیر کنند! طبعاً دانشجویان زیادی میوه و غذا و ... را با کارد و چاقو می خوردند و لباس مشکی هم می پوشند! پلیس بیش از 70 دانشجو را دستگیر کرد. دید راسیستی خاصی در کانادا و پلیس وجود دارد که به هرکسی که از کیک بیاید نگاه راسیستی دارند. این مورد در دستگیری های خیابانی و دانشگاه بسیار برجسته بود.

اما در مرکز شهر در اینروز اتفاق مهم دیگری نیز افتاد. رزمندگان بلوک سیاهپوشان عمده نیروی خود را حمله به کمپانی های آمریکایی - صهیونیستی متمرکز کرده بودند. **استار باکس starboucks** یکی از کمپانی ها بزرگ و زنجیره ای در تورونتو است که بیش از 20 شعبه آنرا در نقاط مختلف تورونتو می توان دید. این کمپانی بطور رسمی و علنی از سیاستهای



راست کارگری مثل (سی.ال.سی؛ کنگره کارگران کانادا) و (و.اف.ال؛ فدراسیون کارگران آنتاریو) از قبل با پلیس تیبانی کرده بودند و قول داده بودند که از دستورات قانونی دولت و پلیس پیروی کنند. آنها بعد از مسافت کوتاهی مسیر خود را تغییر داده و از بقیه تظاهرکنندگان جدا شدند و در نهایت در روزهای بعد در موضعگری راست خود بدون محکوم کردن خشونت پلیس، تظاهرکنندگان را به خرابکاری و آنارشیسم متهم کردند. تظاهرات که از کونینز پارک شروع شده بود با شعارهای رادیکال و انقلابی بطرف نرده ها و محل نشست جی 20 در حرکت بود. در مسیر حرکت که مردم با ستونهای 50 - 60 نفره پلیس در تقاطع خیابانها مواجه می شدند. رو در روی پلیس شعارهایی همچون "پلیس به خونه ات برگرد"، "این است دمکراسی"، "خیابان مال ماست" سر می دادند. در مواردی که پلیس با باتوم به مردم حمله کرد، کمونیستها و فعالین چپ ایرانی که با هم در یک مسیر حرکت می کردند و شاهد این صحنه بودند شعار "کی خشونت می کند: پلیس" و "پلیس فاشیست" سر دادند که خیلی سریع همه گیر شد. همچنین شعارهای "مرگ بر کاپیتالیسم" و "زنده باد سوسیالیسم" مرتب تکرار می شد. درست از اینجا بود که جنگ و گریز خیابانی آغاز شد و آنارشیستها که به قصد تخریب فنسهای محافظ محل اجلاس خیز برداشته بودند به مبارزه و درگیری گسترده با نیروهای امنیتی پرداختند. دستگیری های گسترده و ضرب و شتم مردم و بخصوص مبارزان آنارشیست، برگ سیاه دیگری در تاریخ تورونتو، کانادا و جهان سرمایه داری بجا گذاشت. موقعی که تظاهرکنندگان از کنار سفارت آمریکا رد می شدند، روی پشت بام سفارت تیراندازان مجهز به سلاحهای پیشرفته مستقر شده بودند. پلیس از همه طرف تظاهرات را محاصره کرده بود و همه اسلحه بدست رو به تظاهرکنندگان صف کشیده بودند. هم زمان گروه بزرگ دیگری از کوچه دیگری وارد شدند و با کوبیدن باتومهایشان روی سپرهایشان سعی می کردند جو رعب و وحشت بوجود آورند. پلیس با این اعمال سعی در تحریک تظاهرکنندگان داشت ولی مردم با فریاد "بگذارید تظاهرات کنیم" به آنها پاسخ می دادند.

از مهمترین رویدادهای این تظاهرات روند دستگیری و ضرب و شتم یک زن خبرنگار کانادایی بود که در رسانه ها جنجال بزرگی بپا کرد. پلیس، زن کانادایی خبرنگاری را وادار می کرد که از صف تظاهرکنندگان بیرون بیاید و وقتی وی به آنها اهمیتی نداد، او را دستگیر کردند و به او گفتند که اگر از صف معترضین خارج نشوی بطور گروهی به تو تجاوز خواهیم کرد! این خبرنگار در آنجا و سپس در مصاحبه های مختلف آنها را افشا کرد و گفت که **پس پلیس کانادا هم از نیروهای امنیتی ایران کپی برداری می کند!** میدیا ریپورتینگ آلترناتیو دائم گزارش می داد و بحث مناظره می کرد. چرا می گویند کانادا جنوب شده. اینکه در چنین اعتراضاتی فرقی

یکی از مواردی که در شعارهای مبارزان جی 20 بسیار تأکید شده بود، کمک به کشورهای آفریقایی بود. بخصوص قولی که دولت فعلی کانادا در زمینه کمک به زنان داده بود و تا کنون هیچ کمکی نکرده بود. مورد دیگر هم که بسیار برجسته بود مسئله مردم بومی کانادا و حقوق هیچگاه متحقق نشده آنها بود. در زیر بخشی از یک مصاحبه با یک از رهبران بومی را می توانید به انگلیسی بخوانید و نمونه شعارهای آنها را نیز ببینید:

I am hopeful that the Canadian society as a whole will look to not this—to this day not just as an example of bringing our peoples together, but also examining your own history and the history about your own peoples and looking at how you can make this government accountable.

PROTESTER: Native rights are human rights!

Free rights now!

Native rights are human rights!

Free rights now!

چنین مواردی به ما گوشزد می کند که در فضای واقعی مبارزاتمان جدای از نیازها و مطالبات خاص آن مبارزه، حلقه های پنهان و بسته شده به آنها را نیز بر ملا کنیم. دموکراسی و خواست آزادی با تعریف واقعی بدون توجه به ملل و اقوام مختلف تحتی ستم در کشورهای مختلف بی معنی است. در خاتمه نیز ضمن تشکر از تهیه کنندگان این مطلب، توجه شما را به دنبال کردن بیشتر این رویداد جلب می کنیم. ■

در لینک های زیر می توانید اخبار و عکسهای مبارزات و تعدادی از شعارهای کمونیستها را ببینید :

<http://www.democracynow.org>

<http://2010.mediacoop.ca>

[/http://www.ocap.ca](http://www.ocap.ca)

<http://www.flickr.com/photos/shahrvand-toronto/4737062823/>

<http://vodpod.com/watch/3911909-cop-car-set-on-fire/windows-smashed-g-20-toronto-part-1>

http://www.youtube.com/watch?v=SVDY8pE_twY&feature=player_embedded#

http://www.youtube.com/watch?v=1fhGneV6rQg&feature=player_embedded

<http://toronto.mediacoop.ca/newsrelease/3839>

<http://toronto.mediacoop.ca/newsrelease/3839>

Revolution is the solution

!Who is committing violence, police

Moving criminals around, needs one billion dollars

We are peaceful, how about you

Let us march

Whose street? My street

Down with capitalism

Long lived socialism

This is democracy!!!

جنایتکارانه دولت و ارتش اسرائیل بر علیه مردم فلسطین دفاع می کند و کمک های مالی و رسانه ای به آنها می کند. در اینروز نیروهای بلاک بلوک به مراکز متعدد استاربار حمله کردند و تا حد ممکن به آنها خسارت وارد کردند و با چکش های ویژه ای که برای اینکار تدارک دیده بودند، شیشه های آنها خرد کردند. جالب اینجا بود که اینکار بسیار هدفمند بود و در کنار استاربارها به فروشگاههای دیگر اصلاً کاری نداشتند و هیچ خسارتی وارد نمی کردند. این مورد نیز پیامهای سیاسی خود را داشت که جای بحث دارد.

در بررسی نکات این مطلب و صحبت با رفقای همکار در تهیه این مطلب و مصاحبه شوندگان، چند نکته مهم بحث شد که برای مبارزات ما در برابر استبداد و هوشیاری ما در مبارزه لازم می دانیم با شما نیز در میان بگذاریم:

گروههای پزشکی خودگردانی در مبارزات جی 20 در خیابانها حاضر بودند. جوانانی با نشان های صلیب سرخ و ... که تیمهای مردمی امداد را برقرار کرده بودند.

در مبارزات جی 20 ژورنالیست و عکاس هایی از همه جای کانادا و آمریکا بصورت شبکه های خاصی کار می کردند. آنها اکثراً جوان بودند و ثمره فعالیت های روزانه و لحظه ای شان را بطور آنلاین در اختیار همه می گذاشتند تا هم به انعکاس خبری کمک کرده باشند و پوشش رسانه ای را از درون فضای مبارزات تأمین کنند و هم اینکه از انحصار خبری توسط دولت و رسانه های وابسته به گروههای مشخص جلوگیری کنند.

بنا به گفته رفقا، مشکلی که با نیروهای بلوک سیاه پوشان داشتیم این بود که امسال حتی پلیس هم تاکتیکهایش را عوض کرده بود ولی اینها هنوز به روش 10 سال پیش -در کبک سیتی- می جنگیدند و شیشه خرد می کردند و این خوب نبود.

از کارهای پلیس این بود که مثلاً اینها را بازی داد. پلیس ماشینهایش را در برخی نقاط ول می کرد تا سیاه پوش ها بیایند آنها را آتش بزنند و اینکار برای تبلیغ و ضد تبلیغ پلیس خیلی خوب بود و در رسانه ها پر شد از تصاویر این خرابکاری ها! از این راه دولت تمام این 40000 نفر معترض را خرابکار معرفی می کرد. تنها چیزی که مدیای اصلی و روزنامه ها نوشتند درباره تاکتیک های جدید پلیس بود. رفقای ما اذعان داشتند که در انتشار افکار رادیکال انقلابی فضا بسته تر از آتش زدن ماشین ها بود! بخاطر توجه زیادی که مردم روی مبارزه انارشویستها و پلیس معطوف کرده بودند. خُب با توجه به روزهای پرالتهاب مبارزه در ایران هم گاهی این جمع بندی ها برای ما می تواند مفید واقع می شود که مسئله کار سیاسی کردن تا چه حد مهم و تأثیرگذار است. دفاع و مبارزه قهرآمیز مهم است ولی مسئله، متد های جدیدی است که باید برای مبارزه در رویدادهای شهری آموخت و جمع بندی کرد و دوباره قالب ریزی کرد.

مسئله دیگر برجسته در مصاحبه رفقایمان این بود که در بعضی از مهمترین زمانهای تظاهراتها با مشکل سازماندهی مردم در تکرار شعارها مواجه بودند و موجب تلاشی جمعیت در لحظات تعیین کننده مبارزه با پلیس می شد. به نظر آنها نبود رهبر ان مجرب و حرفه ای دلیل عمده بود. چون با تکیه با نیروی 40000 نفر مردم از دسته ها و جریانهای فکری مختلف می شود موج بزرگی را راه انداخت ولی اینکه این موج به کجا می رود و به کجا اصابت کند سؤال مهمتری است. اگر رهبری گروهها و نیروهای مترقی و رادیکال قوی نباشد، جمعیت 40 هزار نفره توروئنتو یا 1 میلیونی خیابانهای تهران یا خودبخودی در میان امواج مبارزه بالا و پایین خواهند رفت و یا در دست نیروهای قوی تر موجود، از خود سیستم یا ارتجاعی و وابسته محصور می شوند.